

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه
سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۲ هـ ش / ۱۴۳۴ هـ ق / ۲۰۱۳ م، صص ۵۳-۸۷

بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی (عج) در شعر معاصر فارسی و عربی (مطالعه مورد پژوهانه: اشعار سید رضا موسوی هندی، شیخ محسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین‌پور)^۱

کبری خسروی^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان، ایران

حسین چراغی‌وش^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان، ایران

حدیث بابائی^۴

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان، ایران

چکیده

اندیشه‌انتظار و بیان سیمای امام مهدی (عج) در شعر شاعران متعهد به اهل‌بیت (ع) از دیرباز تاکنون؛ بویژه در شعر دوره معاصر، بوفور دیده می‌شود. شاعران معاصر، باب جدیدی را در زمینه شعر و ادب، به نام ادبیات مهدوی گشودند و از دریچه شعر، امام مهدی (عج) را به عنوان منجی آخرالزمان به تشنگان حقیقت معرفی کردند. سید رضا موسوی هندی، شیخ محسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین‌پور، از شاعران معاصر مطرح در ادبیات متعهد هستند. در مقاله حاضر، به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به شواهدی از اشعار این شاعران، به بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی (عج) در شعر معاصر فارسی و عربی پرداخته شده است. مباحثی همچون ولادت امام عصر (عج)، غیبت، انتظار، بشارت به ظهور منجی آخرالزمان و توصیف ویژگی‌های مدینه فاضله مهدوی، از جمله مضامین مشترک در شعر شاعران مورد بحث است؛ اما موضوعاتی همچون القاب، رجعت و نیز پاسخ به انحرافات در زمینه موضوعات مربوط به مهدویت، در شعر برخی از آنان همچون سید رضا موسوی هندی ملاحظه می‌گردد. شاعران معاصر فارسی‌زبان، با بیانی ادبی و با استفاده از تعبیر استعاری، کنایه و تشبیه به وصف و مدح سیمای امام مهدی (عج) پرداخته‌اند؛ در حالی که شاعران عرب بیشتر به صورت مستقیم به وصف سیمای امام مهدی (عج) پرداخته‌اند. افزون بر این، شاعران با اقتباس هنری و ادبی از تفاسیر آیات و روایات متواتر، به وصف امام مهدی (عج) پرداخته و به شعر خویش صفت جاودانگی و تأثیرگذاری بر مخاطب بخشیده‌اند.

واژگان کلیدی: امام مهدی (عج)، ادبیات تطبیقی، شعر معاصر فارسی، شعر معاصر عربی، سید رضا موسوی هندی، شیخ محسن ابوالحب، سلمان هراتی، قیصر امین‌پور.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۵

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۷

۲. رایانامه نویسنده مسئول: Kobra.Khosravi@Gmail.com

۳. رایانامه: cheraghivash.h@lu.ac.ir

۴. رایانامه: hadisbabaei580@yahoo.com

۱. پیشگفتار

بیان مسأله

ادبیات تطبیقی نوعی پژوهش بین‌رشته‌ای است که به مطالعه رابطه بین ادبیات ملت‌های مختلف با هم و بررسی رابطه ادبیات با هنرها و علوم انسانی می‌پردازد. ادبیات تطبیقی، دارای دو مکتب فرانسه و آمریکا است. الدریج، یکی از تطبیق‌گران آمریکایی در مورد این مکتب می‌گوید: «قدر مسلم اینکه ادبیات تطبیقی به مقایسه ادبیات ملی کشورها نمی‌پردازد. به عبارت دیگر، ادبیات تطبیقی یک ادبیات ملی دیگری بنا نمی‌نهد؛ بلکه به جای این امر، روش به دست می‌دهد که دیدگاه انسان را در مطالعه آثار ادبی عمق می‌بخشد. ادبیات تطبیقی، شیوه‌ای است برای نگرستن و برون شدن از موانعی به نام مرزهای ملی. این امر به ما امکان می‌دهد تا گرایش‌ها و جنبش‌های موجود در فرهنگ‌های مختلف و ارتباط ادبی با دیگر عرصه‌های تعبیر را بشناسیم. به اختصار می‌توان گفت که ادبیات تطبیقی، مطالعه پدیده‌ای ادبی در میان دو یا چند ادبیات مختلف و یا مطالعه ارتباط یک پدیده ادبی با علوم مختلف است» (نظری منظم، ۱۳۸۹: ۲۲۹).

شعر و ادبیات مهدوی، به عنوان یکی از زمینه‌های مهم و مطرح شعر معاصر، ذهن بسیاری از شاعران متعهد به اهل بیت (ع) را به خویش مشغول داشته است. شعر مهدوی در عصر معاصر، در زبان‌های مختلف فارسی، عربی، ترکی و... رنگ بارزتری نسبت به دوره‌های قبل به خود گرفته است. یکی از دلایل مهم و واضح آن، بیداری اسلامی در قرن معاصر در بسیاری از کشورهای جهان است. در این میان شاعران عرب و فارس، گوی سبقت را از دیگران روده‌اند. این شاعران به وسیله شعر و ادب به دفاع از عقاید حقه اهل بیت (ع) بویژه امام مهدی (عج) و انتشار معارف دینی خود درباره ایشان در عصر غیبت پرداخته‌اند؛ در صورتی که مسأله مهدویت از دیرباز در شعر عربی و فارسی مطرح بوده است و شاعران عرب و فارس، گاه به صورت کنایی و نمادین و گاه به شکل روشن و آشکار، از امام مهدی (عج) به عنوان منجی و موعود یاد کرده‌اند.

در عصر اموی و عباسی و حکومت‌های فاسد دیگر، بسیاری از شاعران متعهد به اهل بیت (ع) به دلیل تقیه و ترس از حاکمان وقت، به شکل نمادین به مسأله ظهور امام مهدی (عج) و مشخصه‌های ایشان پرداخته‌اند؛ اما با وجود ظلم و ستم‌های رفته بر شاعران شیعه از سوی حاکمان وقت، ریشه درخت شعر مهدوی خشک نگردیده است و این شعر تاکنون به حیات خویش ادامه داده است. از میان

شاعران مطرح معاصر عرب و فارس، به اشعار سید رضا موسوی هندی، محسن ابوالحُب، سلمان هراتی و قیصر امین پور با هدف بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی (عج) می پردازیم.

با در نظر داشتن اینکه شاعران مورد بحث این پژوهش، در طول حیات خویش هرگز با هم هیچ دیداری نداشته و تحت تأثیر ادبیات دیگری قرار نگرفته اند؛ اما دارای عقاید مشترکی در مورد امام مهدی (عج) هستند که این عقاید مشترک برگرفته از عقاید و افکار دینی به خصوص آموزه های قرآنی و روایات متواتر است، این بررسی تطبیقی به حوزه ادبیات تطبیقی آمریکای راه دارد و به نوعی روش تحقیق و مبنای نظری این مقایسه، بر اساس نظریه اسلامی ادبیات تطبیقی است.

پرسش های تحقیق

۱. وجوه اشتراک و افتراق مضامین ۴ شاعر مورد بحث در چه زمینه هایی است؟
۲. شاعران مورد بحث بیشتر چه شیوه هایی را برای به تصویر کشیدن سیمای امام مهدی (عج) به کار بسته اند؟

فرضیه های تحقیق

۱. مضامین مشترک در شعر شاعران مورد بحث، مربوط به مباحثی همچون ولادت امام عصر (عج)، غیبت، انتظار، بشارت به ظهور منجی آخر الزمان، توصیف ویژگی های مدینه فاضله مهدوی است؛ اما موضوعاتی همچون القاب، رجعت و نیز پاسخ به انحرافات در زمینه موضوعات مربوط به مهدویت، در شعر برخی از آنان همچون سید رضا موسوی هندی ملاحظه می گردد.
۲. شاعران معاصر فارسی زبان، با بیانی ادبی و با استفاده از تعابیر استعاری، کنایه و تشبیه، به وصف و مدح سیمای امام مهدی (عج) پرداخته اند؛ در حالی که شاعران عرب بیشتر به صورت مستقیم به وصف سیمای امام مهدی (عج) پرداخته اند. علاوه بر این، شاعران با اقتباس هنری و ادبی از تفاسیر آیات و روایات متواتر، به وصف امام مهدی (عج) در اشعار خویش پرداخته و به اشعار خویش صفت جاودانگی و تأثیر گذاری بر مخاطب بخشیده اند.

ضرورت پژوهش

یکی از اصلی ترین دلایل ضرورت این پژوهش، بررسی تطبیقی عقاید مشترک شاعران عرب و فارس در مورد امام مهدی (عج) و معرفی ایشان از دریچه شعر و ادب به مخاطبان است؛ زیرا شعر یکی از بهترین وسیله های تأثیر گذار بر افکار دیگران است و شاعران معاصر، در عصری که عصر انکار عقاید

دینی مسلمانان است؛ کوشیده‌اند تا با این ابزار (شعر) به دفاع از عقاید تشیع بویژه به بیان سیمای امام مهدی (عج) پردازند.

پیشینه پژوهش

در خصوص بررسی سیمای امام مهدی (عج) در شعر، آثار مختلفی به صورت کتاب و مقاله در زبان‌های عربی و فارسی انجام شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب *سیمای امام مهدی موعود در آیین شعر فارسی* (مجاهدی، ۱۳۸۴) *سیمای امام مهدی (عج) در شعر عربی* (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۲۱۰-۲۸۶) و مقاله «امام زمان (عج)، نوستالژی آینده‌گرا در شعر سلمان هراتی» (غنی‌پور ملک‌شاه و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۸۴-۴۰۱) اشاره داشت. در دو اثر نخست، تنها در بخشی از این آثار به مسأله شعر معاصر مهدوی پرداخته شده است و کارهای مورد نظر بیشتر جنبه جمع‌آوری داشته و کمتر به تحلیل و توصیف توجه شده است و مقاله صرفاً به شعر هراتی اختصاص دارد و بررسی تطبیقی صورت نگرفته است.

بر اساس اطلاعات نگارندگان، تحقیق مستقلی در زمینه «بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی در شعر معاصر عربی و فارسی» به خصوص شاعران مورد نظر در این مقاله صورت نگرفته است. در این نوشته، به بیان عقاید مشترک شاعران مورد نظر با نمونه‌ها و نگاهی متفاوت‌تر از کار دیگر نویسندگان، درباره بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی (عج) در شعر معاصر فارسی و عربی می‌پردازیم.

زندگی‌نامه شاعران

قیصر امین‌پور

او متولد ۱۳۳۸ در روستای گتوند دزفول و متوفی ۱۳۸۶ در تهران است. قیصر از فعالان جریان شعر انقلاب در دهه شصت و هفتاد، استاد دانشگاه تهران و صاحب پژوهش‌های ادبی بوده است. امین‌پور دارنده مجموعه شعرهای *تنفس صبح*، *در کوچه آفتاب*، *آینه‌های ناگهان*، *گل‌ها همه آفتابگردان‌اند*، *دستور زبان عشق و ظهر روز دهم* (برای نوجوانان) است. (کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۴۹)

سلمان هراتی

او متولد ۱۳۳۸ در روستای مرزدشت تنکابن است و در سال ۱۳۶۵ بر اثر سانحه رانندگی در مسیر لنگرود درگذشت. از او مجموعه شعرهای *از آسمان تا آن ستاره* (برای نوجوانان) بر جای مانده است که مجموعاً در کتاب *کامل شعرهای سلمان هراتی* تجدید چاپ شده است. (همان: ۳۲۱)

سید رضا موسوی هندی

او متولد سال ۱۲۹۰ هجری و متوفی سال ۱۳۶۲ هجری است. او را در جوار مرقد امام علی (ع) در نجف به خاک سپردند. سید رضا دانشمندی ادیب و فرزانه بود که شهرت او بیشتر به خاطر قصیده کوثریه و اشعار حسینی است. می‌توانیم بگوییم، شهرت ادبی او بر شهرت علمی و فقهی‌اش غلبه یافته است. او دارای آثار ارزشمندی همچون؛ *مشروطیه و الاستبداد، المیزان العادل بین الحق و الباطل، سبکة المسجد فی التاريخ بأبجد و دیوانی مشهور به نام دیوان السید رضا الهندی* می‌باشد که مملو از اشعار ارزشمند ادبی این عالم فرزانه در مدح و رثاء اهل بیت (ع) است. (موسوی، ۱۳۸۸: ۲۸-۷)

محسن ابوالحب

در سال ۱۲۲۵ هجری و بنابر روایتی در سال ۱۲۴۵ هجری در کربلا متولد شد و در سال ۱۳۰۵ هجری از دنیا رفت. او یکی از ادبای مشهور عراق است که دارای یک دیوان شعری به نام دیوان شیخ محسن ابوالحب است که بیشتر اشعار آن در وصف اهل بیت (ع)؛ بخصوص در رثاء امام حسین (ع) سروده شده است. دیوان ابوالحب به صورت یک نسخه خطی که مربوط به خانواده ایشان است و یک نسخه چاپی موجود است. (ابوالحب، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۹)

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۱-۲. دیدگاه‌های مشترک در شعر شاعران

شاعران معاصر در هردو زبان، دارای عقاید مشترکی درباره ولادت امام مهدی (عج)، غیبت، انتظار، بشارت به ظهور و مدینه فاضله هستند. این عقاید مشترک، نشان دهنده اعتقاد راسخ شاعران متعهد به اهل بیت (ع)؛ بویژه وجود امام مهدی (عج) می‌باشد.

۱-۱-۲. ولادت امام مهدی (عج)

ولادت و زندگی مهدی موعود (عج) از رخدادهای مهم است و ریشه در باور دینی مسلمانان دارد. بر همه کسانی که به انبوه روایات رسیده از پیامبر (ص) و امامان نور (ع) پیرامون وجود گرانمایه حضرت مهدی (عج) ایمان آورده‌اند، لازم است که به ولادت آن گرامی نیز ایمان داشته و بدان اعتراف نمایند؛ چراکه عاقلانه و منطقی به نظر نمی‌رسد که از سویی این روایات انبوه، بشارت‌ها و اخبار بسیار از آینده جهان را، بپذیریم و از دگر سو بر این پندار بی‌اساس باشیم که امام مهدی (عج) هنوز جهان را به نور جودش نورباران نساخته و متولد نشده است. (قزوینی، ۱۳۹۱: ۱۶۴)

احادیث فراوانی از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) از طریق اهل سنت و شیعه رسیده که بیانگر ویژگی‌های شخصی امام زمان (عج) است. ولادت امام قائم (ع)، در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری روی داده است. به هنگام رحلت پدر، عمر ایشان پنج سال بوده است. خداوند حکمت و فصل الخطاب را به او ارزانی فرموده و او را برای همه جهانیان آیت و نشانه قرار داد و هم‌چنان که به یحیی (ع) در کودکی حکمت آموخت، به او هم حکمت عنایت داشت و او را در کودکی امام قرار داد؛ هم‌چنان که عیسی بن مریم (ع) را در گهواره نبوت بخشید. نام‌های ریحانه، نرجس، صیقل و سوسن را برای مادر ایشان نقل کرده‌اند. (فتال نیشابوری، بی تا: ۴۳۴-۴۳۳) در شعر هر ۴ شاعر مورد نظر در این مقاله، اشاره به ولادت امام مهدی (عج) ملاحظه می‌شود. موسوی هندی، در وصف میلاد ایشان از دو نماد «نور» و «نهر» بهره می‌گیرد. این دو کلمه در حروف حساب ابجد یا جمل، نماد دو سال ۲۵۶ هجری و ۲۵۵ هجری - نشان دهنده میلاد فرخنده امام مهدی (عج) - هستند:

وَمَوْلِدُهُ (نُورٌ) بِهِ يُشْرِقُ الْهُدَى وَقِيلَ لِظَامِي الْعَدْلِ مُؤَلَّدُهُ (نَهْرٌ)

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۴)

ترجمه: ولادت او نوری است (در سال ۲۵۶) که به واسطه آن هدایت می‌درخشد و به تشنه عدالت گفته شده میلاد او همچون نهری است. (در سال ۲۵۵)

سید رضا موسوی هندی، تاریخ میلاد امام مهدی (ع) را با استفاده از تشبیه بلیغ و با زبان شعر، دو سال ۲۵۵ و ۲۵۶ هجری معرفی می‌کند. علاوه بر این، وی امام مهدی (عج) را از اولاد پیامبر (ص) و فرزند امام حسن عسکری (ع) معرفی می‌کند:

هُوَ ابْنُ الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ مُحَمَّدٍ بِذَا كَلِمَةٍ قَدْ أَنْبَأَ الْمُصْطَفَى الطُّهْرُ

(همان: ۵۳)

ترجمه: او محمد، فرزند امام حسن عسکری (ع) است و پیامبر (ص) از همه این مسائلی که گفته شده خبر داده است.

این بیت استشهاد صریحی به این سخن پیامبر اکرم (ص) دارد که می‌فرمایند: «از فرزندان من دوازده نفرند که نقیب و نجیب و محدث و مفهم می‌باشند. آخرین آن‌ها قائم به حق است که زمین را از عدالت پر کند؛ چنان که از ستم پر شده باشد.» (کلینی، بی تا، ج ۲: ۴۸۲) شیخ محسن ابوالحب، امام مهدی (عج) را فرزند نرجس خاتون معرفی می‌کند؛ در حالی که در سحرگاه نیمه شعبان متولد شده است:

قَدْ وَكَلْتَهُ نَجْرَجِسُ فِي يَوْمِ خَمَاسِ عَشْرٍ
وَقَدْ تَجَلَّى نُورُهُ الزَّاهِرِ وَقَلَّتِ السُّحْرُ
شَعْبَانَ شَهْرًا طَيْبًا فَبَاقَ جَمِيعَ الْأَشْهُرِ
فِيهِ بَدَى مَهْدِينَا كَالْكَوْكَبِ الْمُرْدَهْرِ

(ابوالحُب، بی تا: ۸۳)

ترجمه: نرجس خاتون او را در نیمه شعبان به دنیا آورد و نور درخشنده او در هنگام سحر تجلی یافته است. ماه شعبان، ماه نیکویی است؛ به طوری که بر تمام ماه‌های دیگر برتری یافته است. در این ماه، مهدی (عج) ما مانند ستاره‌ای نورانی به دنیا آمد.

سلمان هراتی، با بهره‌گیری از زبان شعری و تصاویر ادبی قوی تری نسبت به دو شاعر قبل، این امر را بیان می‌کند که میلاد امام مهدی (عج) شکوه دوباره زمین و سیلی محکم بر صورت ظلم و ستم حاکمان عصر خویش است:

در ضیافت توگدت / خاک در شکوه جنبشی دگر / رخت زرد خویش را درید / و تکان تازه‌ای به خویش داد / هم بدین سبب به رود زد / تا غبار تاخت ستمگران دهر را / در گذر آب شست و شو دهد. (هراتی، ۱۳۷۶: ۹۲)

قیصر امین‌پور در ابیاتی به ولادت امام مهدی (عج) اشاره دارد. وی خلقت امام را قبل از خلقت حضرت آدم می‌داند؛ زیرا شاعر عقیده دارد که سبب رانده شدن آدم از بهشت سیب یا گندم نبوده است؛ بلکه علت آن علاقه ایشان به امام مهدی (عج) بوده است:

نه گندم و نه سیب / آدم فریب نام تو را خورد / از بی‌شمار نام شهیدانت / هاییل را که نام نخستین بود / دیگر این روزها را به یاد نمی‌آوری / هاییل / نام دیگر من بود / یوسف، برادر من نیز / تنها به جرم نام تو / چندین هزار سال / زندانی عزیز زلیخا بود (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۸۳)

شاعر با بیانی ظریف و هنری، با استفاده از تلمیح به داستان رانده شدن حضرت آدم (ع) از بهشت و در ادامه عبارات با اشاره به زندانی شدن حضرت یوسف (ع)، تصویری زیبا از اعتقاد به وجود ولادت امام مهدی (عج) را به تصویر کشیده است. شاعر ذکر نام امام مهدی (عج) توسط حضرت آدم و یوسف (ع) را، علت خلق داستان این دو پیامبر الهی دانسته است. این بیان ادبی قوی، شعر قیصر را از اشعار دیگر شاعران متمایز کرده است. در مطالعه شعر هر ۴ شاعر، می‌توانیم بگوییم که شعر شاعران عرب نسبت به هراتی و امین‌پور، دارای تصاویر ادبی کمتری است؛ زیرا این دو شاعر با زبان غیر

مستقیم و با استفاده از کنایه و تلمیح، میلاد امام مهدی (عج) را برای خواننده مجسم کرده‌اند که این دارای ارزش هنری بسیاری است.

۲-۱-۲. غیبت

شاعران گوناگون، از دیرباز در میان اشعار خویش غیبت کبری را به تصویر کشیده‌اند. در این میان، شاعران مورد بحث از این باب بی‌ بهره نبوده و به این مسأله توجه خاصی مبذول داشته‌اند. موسوی هندی، شیخ محسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین‌پور در اشعار خویش به غیبت کبری امام مهدی (عج) اشاره دارند؛ در حالی که غیبت ایشان را به منزلهٔ عدم حضور امام مهدی (عج) محسوب نکرده‌اند. آنان وجود امام مهدی (عج) را در کنار مردم عادی حس می‌کنند. موسوی هندی، غیبت کبری را در شعر خویش این‌گونه مجسم نموده است:

مَآذَى زَمَانُ الْبُعْدِ وَامْتَدَّ لَيْلُهُ وَمَا أَبْصَرْتَ عَيْنِي مُجِيَاكَ يَا بَدْرُ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۳)

ترجمه: زمان دوری به درازا کشید و شب آن طولانی شد. ای ماه شب چهارده! دیدگان من هنوز چهرهٔ نورانی تو را ندیده است.

موسوی هندی در ادامهٔ قصیده، از زبان پیامبر (ص) در مورد غیبت کبری این‌گونه می‌گوید:

وَأَنْ سَيَطِيلُ اللَّهُ عَيْبَةَ شَخْصِهِ يَشْفِي بِهِ مِنْ بَعْدِ عَيْبَةِ الْكُفْرِ

(همان: ۵۶)

ترجمه: و خبر داد به اینکه خداوند غیبت شخص آن حضرت را طولانی خواهد کرد و پس از غیبت او به وسیله ایشان کفر را درمان خواهد نمود.

سلمان هراتی، مضمون غیبت را در لباسی از استعاره و کنایه در قالب ادبی می‌ریزد و به مخاطب ارائه می‌دهد. شاعر، غیبت کبری امام مهدی (عج) را به شب‌نشینی طولانی زمین تشبیه کرده است و درخواست تعجیل در فرج ایشان را می‌کند:

آه ای پیشوای اقیانوس‌های شورش / شب‌نشینی دنیا به طول انجامید / طوفان را رها کن / و اسب آشوب را / افسار بگسل! (هراتی، ۱۳۸۸: ۲۵)

موسوی هندی نیز غیبت کبری را وسیلهٔ آزمودن بندگان صالح در عصر غیبت برمی‌شمارد:

فَكَمْ مِحْمَةً لِلَّهِ بَيْنَ عِبَادِهِ يُمَيِّرُ فِيهَا فَاجِرُ النَّاسِ وَالْبَرُّ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۷)

ترجمه: چه بسیار محنت و گرفتاری است که خداوند بین بندگانش قرار می‌دهد تا در آن، انسان‌های بدکار و نیکوکار از یکدیگر تشخیص داده شود.

کلام سید رضا موسوی هندی، برگرفته از احادیث متواتر در آزمودن ایمان منتظران در عصر غیبت است؛ از جمله این احادیث می‌توانیم حدیثی از امام صادق (ع) را متذکر شویم که فرمودند: «غیبت قائم (عج) به طول می‌انجامد تا حق روشن گردد و ایمان محض از تیرگی خالص شود و هر که از شیعیان سرشت ناپاک دارد و بیم آن هست که اگر از امکانات وسیع و امن و امان گسترده در عهد قائم (عج) آگاه شود از در نفاق در آید، به ارتداد گراید و با ارتداد آن‌ها خالص و ناخالص از یکدیگر جدا شود.» (سلیمان، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۹۵)

موسوی هندی، غیبت کبری را به عنوان یکی از نشانه‌های موعود بودن امام مهدی (عج) مطرح می‌کند:

وَإِظْهَارُ أَمْرِ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ وَقْتِهِ الْهَلْ
مُؤَجَّلٌ لَمْ يُوعَدِ عَلَيَّ مِثْلَهُ النَّصْرُ
وَأَمَّا عِيسَىٰ فَإِنِّي إِذَا قَامَ مُسْرِعًا
إِلَىٰ وَقْتِ عِيسَىٰ يَسْتَبِيلُ لَهُ الْعُمْرُ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۷)

ترجمه: و آشکار کردن فرمان خداوند، قبل از وقت مقرر آن، بر مثل آن وعده نصرت داده شده است. اگر زود قیام کند، دیگر موعود نخواهد بود؛ بلکه باید تا وقت رجعت عیسی (ع)، عمر او طولانی گردد.

باید در نظر داشت که غیبت صغری و کبری امام مهدی (عج)، به منزله عدم حضور ایشان در جامعه نیست و نخواهد بود. تاریخ گواه این است که در مواقع بسیاری، گرفتاری‌های مسلمانان به دست آن حضرت (عج) حل گشته است.

قیصر امین پور، غیبت کبری را در شعر خویش این گونه ترسیم نموده است:

ستاره می‌شمارم سال‌های انتظارم را
هزار و سیصد و چندین و چندانم نمی‌دانم

(امین پور، ۱۳۷۸: ۱۸۰)

این بیان شاعر (هزار و سیصد و چندین و چندانم نمی‌دانم) حاکی از این است که با وجود گذشت حدوداً ۱۳ قرن از غیبت کبری امام مهدی (عج)، شاعر از این غیبت طولانی ناامید نشده است و در انتظار ظهور ایشان به سر می‌برد.

موسوی هندی، وجود امام مهدی (عج) را در زندگی روزمره با مردم عادی می‌بیند؛ به طوری که جهان بدون حضور ایشان برای او قابل درک نیست:

يَمْتَلِكُ الشُّوقُ الْمُبْرَحُ وَالْفِكْرُ فَلَا حُجْبَ تُخْفِكَ عَيِّي وَلَا سِتْرُ
تَرَكَ بِكُلِّ النَّاسِ عَيْنِي فَلَمْ يَكُنْ لِيَخْلُوَ رِبْعَ مِنْكَ أَوْ مَهْمَةً قَفْرُ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۳)

ترجمه: اندیشه و شوق و اشتیاق من، تو را در ذهنم مجسم می‌کند. پس هیچ حجابی نمی‌تواند تو را از من مخفی نگه دارد. چشم من تو را با همه مردمان می‌بیند؛ پس هیچ خانه یا بیابان و دشتی از وجود تو خالی نیست. محسن ابوالحب، علت درک نکردن وجود امام مهدی (عج) را عدم آمادگی خویش برمی‌شمارد؛ زیرا به اعتقاد شاعر، وجود امام (عج) جهان را روشن کرده است؛ اما هنوز شاعر پرتویی از این نور را ندیده است:

لَقَدْ مُلَأَ الدُّنْيَا سَنَاكَ وَلَمْ يَلْح لِعَيْنِي يَوْمًا مِنْ جَبِينِكَ ثَاقِبَه

(ابوالحب، ۱۳۸۵: ۵۲)

ترجمه: قطعاً دنیا از نور تو پر شده است؛ در حالی که چشم من یک روز از چهره درخشان تو روشن نشده است. سلمان هراتی نیز وجود امام مهدی (عج) را در جامعه کنونی تصور می‌کند: او همین جاست همین جا/ نه در خیال مبهم جابلسا/ و نه در جزیره خضرا/ نه هیچ کجای دور از دست/ من او را می‌بینم/ هر سال عاشورا/ در مسجد بی‌سقف آبادی/ با برادرانم عزاداری می‌کند/ او را در میدان شوش در کوره پزخانه دیدم/ او را به جاهای ناشناخته نسبت ندهیم؛ انصاف نیست. (هراتی، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۰)

پژوهش محققان در اصل و منشأ و حقیقت دو اسم «جابلقا» و «جابلسا» به جایی نرسیده است. در منتخب البصائر از امام ششم (ع) نقل کرده که ایشان فرمودند: «خدا را شهر یست در مشرق به (جابلقا) که ۱۲ هزار در طلا دارد. میان هر دری تا دیگری یک فرسخ است. بر هر دری برجی است که ۱۲ هزار جنگجو دارد که دم اسب‌ها را گره زده و تیغ و سلاح را تیز کرده و در انتظار ظهور قائم ما هستند و خدا شهری دارد در مغرب به نام (جابرسا) با همین وصف، منم امام آن‌ها.» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱: ۲۵۶)

داستان جزیره خضرا داستان معروفی است که امام مهدی (عج) و فرزندان گرامی ایشان در آنجا اقامت می‌نمایند بنابر آن، برخی از علما مانند علامه مجلسی (همان) و... این داستان را پذیرفته‌اند و در کتاب خود به آن استناد نموده‌اند. اما ادله کسانی که داستان جزیره خضرا را شبیه افسانه می‌دانند این است که اولاً سند معتبر و قابل اعتمادی ندارد و داستان از یک کتاب خطی ناشناخته نقل شده است. ثانیاً در متن داستان تناقضاتی دیده می‌شود. ثالثاً در داستان مذکور، به تحریف قرآن تصریح شده که

قابل قبول نیست و مورد انکار شدید علمای اسلام است. رابعاً موضوع اباحهٔ خمس در این داستان مطرح شده و مورد تأیید قرار نگرفته که آن هم از نظر فقها مردود می‌باشد. (مجلسی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۱۷-۲۱۸) این چنین به نظر می‌رسد که سلمان هراتی با مطالعهٔ کتب مختلف در زمینهٔ مهدویت، به این باور رسیده است که جزیرهٔ خضراء یکی از باورهای افسانه‌ای در مورد امام مهدی (عج) است. سلمان هراتی، جهان را بدون حضور امام مهدی (عج) هرگز تصور نمی‌کند؛ چون جهان بی‌وجود آن حضرت (عج) معنا و مفهومی ندارد:

باور کنید اگر او یک روز / خودش را از ما دریغ کند / تاریک می‌شویم. / خدا کند ما را تنها نگذارد /
وگر نه امیدی به گشودن پنجرهٔ بعدی نیست. (هراتی، ۱۳۸۸: ۸۳)

قیصر امین‌پور، جهان را بی‌وجود نازنین امام مهدی (عج) این گونه مجسم می‌کند:

صبح بی‌تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد بی‌تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد
بی‌تو می‌گویند تعطیل است کار جمعه‌ها عشق آما، کی خبر از شنبه و آدینه دارد؟

(امین‌پور، ۱۳۸۷: ۴۰۹)

به نظر می‌رسد که امین‌پور در مصرع اول، «رنگ بعدازظهر آدینه» را که همان دل‌تنگی‌های غروب جمعه است، کنایه از دل‌تنگی دنیا از فقدان حضور امام مهدی (عج) در عصر غیبت دانسته است. در مصرع دوم، شاعر با تعبیری زیباتر، در نبود امام مهدی (عج) حتی مهربانی را با رنگی از کینه و نفرت به تصویر می‌کشد و در بیت دوم، در ترسیم جهان بی‌وجود ایشان، پا از عرصهٔ عقل فراتر می‌نهد و حتی عشق را که عنصر حیات بشریت است، بی‌معنا و مفهوم می‌داند.

هراتی و امین‌پور، جهان را بی‌وجود امام مهدی (عج) نمی‌توانند تجسم کنند؛ زیرا عناصر حیات بی‌وجود ایشان معنا و مفهومی ندارد و شاعران نیز به این نکته کاملاً آگاه بوده و آن را باور داشته‌اند و در سایهٔ تعبیر ادبی قوی و شیوا و با زبان غیر مستقیم به تصویر کشیده‌اند. محسن ابوالحب نیز همین عقیده را این گونه ترسیم می‌کند:

بَقَاوَكْ فِيهَا مَاسِكٌ لِّبِقَائِنَا وَإِلَّا لَأَفْنَانَا بِأَضْعَفِهِ الدَّهْرُ
(ابوالحب، ۱۳۸۵: ۸۳)

ترجمه: باقی ماندن تو در آن باعث بقاء و زندگی ماست و گر نه با گذشت روزگار ما را نابود می‌کرد. می‌توانیم مفهوم حضور امام مهدی (عج) را در این بیت، برگرفته از این آیه بدانیم: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ» (هود / ۸۶): (و بدانید که) آنچه خدا بر شما باقی گذارد، برای شما

بهتر است (از آن زیادتی که به خیانت و کم و گران‌فروشی به دست می‌آورد) اگر واقعاً به خدا ایمان دارید؛ و من نگهبان شما (از عذاب خدا) نیستم؛ زیرا شاعر عقیده دارد که هستی مردم از وجود امام مهدی (عج) سرچشمه می‌گیرد و اگر امام (عج) ما را به خویش واگذارد، ما نیست و نابود می‌گردیم. در روایات متعددی می‌خوانیم که بقیة الله تفسیر به وجود امام مهدی (عج) یا بعضی از امامان دیگر شده است. از امام باقر (ع) نقل شده است: «نخستین سخنی که مهدی (عج) پس از قیام خود می‌گوید این آیه است: «بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» سپس می‌گوید: منم بقیة الله و حجت و خلیفه او در میان شما، سپس هیچ کس بر او سلام نمی‌کند؛ مگر اینکه می‌گوید: السلام عليك يا بقیة الله فی ارضه و از آن‌جا که مهدی موعود (عج) آخرین پیشوا و بزرگ‌ترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام (ص) است، یکی از روشن‌ترین مصادیق «بقیة الله» می‌باشد و از همه به این لقب شایسته‌تر است؛ بخصوص که تنها باقی مانده بعد از پیامبران و امامان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۰۳-۲۰۴)

موسوی هندی، در مورد واجب بودن حضور امام مهدی (عج) در هر عصری این گونه می‌گوید:

وَكَانَ خِلَافَ اللَّطْفِ وَاللُّطْفِ وَاجِبٌ إِذَا مِنْ نَبِيٍّ أَوْ وَصِيٍّ خِلا عَصْرٍ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۵)

ترجمه: هرگاه زمانه‌ای از پیامبر یا وصی عصر و زمانه خالی باشد، خلاف لطف الهی است؛ در حالی که لطف واجب است.

سلمان هراتی در شعر «با آفتاب صمیمی»، امام مهدی (عج) را در کنار سیاه‌پوستان می‌بیند:

او در تشییع جنازه «مالکم ایکس» شرکت کرد/ و خطابه اعتراض را/ در سایه مقدس درخت «بائوب»/ برای سیاهان ایراد کرد/ سیاهان او را می‌شناسند/ آخر او وقتی می‌بیند/ آفریقا هنوز حق ندارد، به مدرسه برود/ دلتنگ می‌شود (هراتی، ۱۳۸۸: ۸۲)

شاعر ایشان را در اردوگاه مردم فلسطین می‌بیند:
در اردوگاه‌های فلسطین حضور دارد/ و خیمه‌ها را می‌نگرد/ که انفجار صدها مشت را/ در خود مخفی کرده‌اند (همان: ۸۳)

علاوه بر این، او حضور امام مهدی (عج) را در کنار خیمه‌های کربلا نیز تجسم می‌کند:

خیمه‌ها او را به یاد آب و التهاب می‌اندازند/ و بلا تکلیفی رقیه (ع) را تداعی می‌کنند/ خیمه یعنی آفتاب را کشتند/ خیمه یعنی خاک داریم؛ خانه نداریم. (همان)

این باور قیصر امین پور، سلمان هراتی، موسوی هندی و محسن ابوالحب در مورد حضور امام مهدی (عج) در جامعه، ریشه در فرهنگ غنی شیعه دارد و برگرفته از این سخن پیامبر اکرم (ص) است که می‌فرمایند: «من و دوازده تن از فرزندانم و تو ای علی بند و قفل زمین هستیم؛ یعنی میخ‌ها و کوه‌های زمین. به سبب ما خدا زمین را میخ کوبیده تا اهلش را فروبرد. چون دوازدهمین فرزندم از دنیا برود، زمین اهلش را فروبرد و مهلت داده نشوند.» (کلینی، بی‌تا، ج ۲: ۴۸۲)

در احادیث بسیاری چنین آمده است که امام مهدی (عج) به طور ناشناس در جامعه حضور دارند و در بین مردم زندگی و رفت و آمد می‌نمایند و در مجامع عمومی میان مسلمانان؛ از جمله مراسم حج و مواقع گرفتاری شیعیان حضور یافته و در حل مشکلات آنان می‌کوشند. هر ۴ شاعر، وجود ایشان را در جامعه کنونی خویش تجسم می‌نمایند و حضور امام مهدی (عج) را به جاهای ناشناس نسبت نمی‌دهند. این اعتقاد، برگرفته از احادیث معتبر و متواتر است.

۲-۱-۳. انتظار

انتظار در لغت، به معنای چشم‌داشت، چشم به راه بودن و نوعی امید به آینده داشتن است. معنای اصطلاحی این لفظ در اسلام، عبارت از ایمان استوار به امامت و ولایت حضرت ولی عصر (عج) و امید به ظهور مبارک آن واپسین حجت الهی و آغاز حکومت صالحان است. مسلمانان بر اساس وعده‌های صریحی که قرآن کریم بدان‌ها داده است، عقیده دارند که طبق قانون خلقت و سنت آفرینش، تاریخ بر مبنای سنت الهی و وعده‌های خدایی به پیش می‌رود و اگر چند روزی دنیا به نفع ستمگران تمام شده؛ ولی سرانجام حکومت مطلق جهان به دست صالحان و حق پرستان خواهد افتاد و عدالت و امنیت بر اساس قانون خدا در سرتاسر جهان برقرار خواهد شد. (تونه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۲۷-۱۲۸)

باید در نظر داشته باشیم که انتظار فرج، فقط مشمول دعا و ندبه در فراق امام مهدی (عج) نیست؛ بلکه انتظار سازنده و واقعی در عصر غیبت، باید مبتنی بر انجام وظایف منتظران آن حضرت (عج) باشد. یکی از وظایف اصلی منتظران، آماده‌سازی عصر ظهور و ناامید نشدن منتظران از ظهور ایشان به خاطر غیبت کبری است.

سید رضا موسوی، خود را از زمره منتظران برمی‌شمارد؛ حتی اگر فراق و انتظار به سالیان متمادی ختم گردد، شاعر هنوز هم منتظر می‌ماند:

فَلَوْ غَبَّتْ عَنِّي أَلْفَ عَامٍ فَإِنَّ لِي رَجَاءً وَصَالٍ لَيْسَ يَقْطَعُهُ الدَّهْرُ

وَلَوْ لَمْ تُعَلِّلْنِي بِوَعْدِكَ لَمْ يَكُنْ لِيَأْلَفَ قَلْبِي فِي تَبَاغِدِكَ الصَّبْرُ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۳)

ترجمه: اگر تو هزار سال از من غایب باشی، باز هم به وصال تو امیدوارم؛ آن طوری که روزگار نمی‌تواند امید مرا قطع کند. اگر مرا به وعده ظهورت مشغول نمی‌ساختی، دل نمی‌توانست دوری تو را تحمل نماید. سلمان هراتی نیز علاوه بر اینکه خود را از زمره منتظران می‌داند، از امام مهدی (عج) با القاب «منجی و منتظر» یاد می‌کند:

پیشوای کاروان عشق! کاروان حماسه می‌سراید این چنین: / انتظار سهم ماست / اعتراض نیز / منجیا، یقین تو نیز منتظر / چشم بر اشاره خدا نشسته‌ای! (هراتی، ۱۳۸۸: ۹۴)

در روایات متواتری از امام مهدی (عج) با لقب «منتظر» یاد شده است. از جمله این احادیث به سخنی از پیامبر اکرم (ص) استناد می‌کنیم که فرمودند: «إِذَا تَوَالَّت ثَلَاثَةُ أَسْمَاءٍ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِي: مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ، فَرَابِعُهَا هُوَ الْقَائِمُ الْمَأْمُولُ الْمُنْتَظَرُ: هنگامی که نام ۳ تن از امامان از فرزندان من در پی هم آمدند: محمد و علی و حسن و چهارمین آن‌ها، او امام قائم و مأمول و منتظر است». (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳: ۴۴۷)

بر اساس روایات متواتر، چون امام مهدی (عج) مانند مردم، خود نیز در انتظار صدور اذن الهی به سر می‌برد تا قیام نموده و جهان گرفتار دربند و جور ستم ستمگران و ظالمان را از نابسامانی که دارد رهایی بخشد و اهداف بلند انبیای الهی را که همانا هدایت و کمال پیدا کردن مردم جهان است محقق سازد، به این جهت او را هم منتظر می‌نامند. موسوی هندی نیز «لیل انتظار» را کنایه از طولانی شدن انتظار و غیبت کبری می‌داند:

طَالَتْ عَلَيْنَا لَيَالِي الْإِنْتِظَارِ فَهَلْ يَابِنَ الزَّكِيِّ لَيْلِ الْإِنْتِظَارِ عَد

(موسوی، ۱۳۸۸: ۷۲)

ترجمه: ای فرزند پاک! شب‌های انتظار برای ما طولانی شده است. آیا برای شب انتظار فردایی هست؟ قیصر امین‌پور، در عصری که برخی از فرقه‌ها به انکار وجود امام مهدی (عج) برخاسته‌اند، ملت ایران را به عنوان منتظران واقعی حضرت (عج) برمی‌شمارد و از غم دوری و طولانی شدن غیبت کبری زبان به گلایه می‌گشاید؛ اما پیوند دیرینه میان عشق و فراق را متذکر می‌شود:

خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد
 جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما
 عشق با آزار، خویشاوندی دیرینه دارد
 خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد

در هوای عاشقان پر می کشد با بی‌قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

(امین پور، ۱۳۸۷: ۴۰۹)

جغد، نماد هراس، بدشگونی، بدبختی، سرما، تاریکی، گوشه‌گیری، اندوه و مربوط به ایزدان جهان زیرین است. در ایران، از دیرباز شیون جغد در پیرامون خانه، نشانه بیماری، گرفتاری و مرگ بود. (نجفی، ۱۳۹۰)

به نظر می‌رسد منظور امین پور از جغد، فرقه‌های منحرفه مانند وهابیت و دیگر دشمنان حضرت مهدی (عج) باشد که در عصر معاصر به انکار وجود امام مهدی (عج) می‌پردازند؛ اما با این وجود این، هنوز هم انتظار در فرهنگ شاعر رنگ نباخته است. انتظار درد دیرینه‌ای است که در وجود قیصر امین پور ریشه دوانده است:

گل کرد خار خار شب بی‌قراری‌ام	از نو شگفت نرگس چشم‌انتظاری‌ام
دیدم هزار چشم در آینه کاری‌ام	تا شد هزار پاره دل از یک نگاه تو
از خویش می‌روم که تو با خود بیاریم	گر من به شوق دیدنت از خویش می‌روم

(امین پور، ۱۳۸۷: ۱۷۴)

محسن ابوالحب نیز در انتظار امام مهدی (عج) این چنین می‌گوید:

مَضَى وَمَضَى جِيلٌ وَ جِيلٌ وَ لَمْ نَفْزْ	بِرؤياكَ يا مَنْ لا تُمَلُّ مَواهِبُه
نُعَدُّ اللَّيالي ليلَةً بَعْدَ ليلَةٍ	لَعَلَّ لَهَا صُباحاً تُنيرُ غياهِبَه
وَهَما أَنا حَتَّى بَيضَ الشَّيبِ عارِضِي	وَهَما أَنا حَتَّى بَيضَ الشَّيبِ عارِضِي

(ابوالحب، ۱۳۸۵: ۵۳)

ترجمه: ای کسی که دیگران از بخشش‌های او خسته نمی‌شوند! نسل‌ها گذشت و گذشت؛ در حالی که ما موقوف به دیدن رؤیای تو نشدیم. شب‌ها را یکی پس از دیگری می‌شماریم؛ شاید برای آن‌ها صبحی باشد که تاریکی‌های غیبت او را نورانی کند و من تا زمانی که سپیدی پیری بر چهره‌ام نشست منتظر بودم. روزگاری را که تو در آن هستی می‌طلبم و سپس او را سرزنش می‌کنم.

جمعه نماد انتظار و امید به ظهور حضرت ولی عصر (عج) در فرهنگ شیعیان است و قیصر امین پور مقدس بودن آن را همسان با میلاد حضرت آدم می‌داند:

باز هم غم؟ / چرا باز دل شوره‌های دمام؟ / پسینگاه جمعه؛ / همان لحظه‌های هبوط آدم / همان وقت میلاد آدم (همان: ۱۶۶)

روز جمعه در فرهنگ شیعیان، از چند جهت اختصاص به امام مهدی (عج) دارد: یکی آنکه ولادت امام (عج) در آن روز بوده است؛ دیگر آنکه ظهور آن جناب روز جمعه خواهد بود. (مجلسی، ۱۹۳۸، ج ۵۲: ۳۳۷) اما درباره شأن و منزلت روز جمعه در نظر قیصر امین‌پور باید گفت، شاعر با استشهاد به احادیث متواتر در مورد حضرت آدم (ع) سخن گفته است؛ بنابراین به این سخن از پیامبر اکرم (ص) بسنده می‌کنیم که در مورد حضرت آدم (ع) فرمودند: «روز جمعه سید روزها است و پیش خدای عزّ و جل از روز عید قربان و عید روزه بزرگ‌تر است خدای عزّ و جل آدم (ع) را در آن آفریده و آدم را در آن به زمین فرو فرستاد و آدم را در آن قبض روح کرده و...» (ابن بابویه، بی تا، ج ۱: ۲۸۲)

سلمان هراتی، بی‌قراری‌های عصر انتظار را وصف‌ناشدنی برمی‌شمارد و از انتظار این‌گونه یاد می‌کند: من کدامم / که فهم عظمت کاینات نویسم / و بی‌قراری زمین را اندازه کنم / و جرأت من آن قدر نیست / که طوفان را به ادراک آورد (هراتی، ۱۳۷۸: ۱۳۵)

شیخ محسن ابوالحب نیز انتظار امام مهدی (عج) را این‌گونه به تصویر کشیده است:

لَقَدْ شَابَتْ نَوَاصِينَا إِنْظَارًا وَ لَمْ نَشُدْ لِنَصْرِكُمْ جَزَامًا
بِنَفْسِي غَائِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ قَمْنِي أَنْ تَرَاكَ وَأَلُو مَنَامًا

(ابوالحب، ۱۳۸۵: ۱۳۹)

ترجمه: موهای پیشانی ما به خاطر انتظار سفید گشت؛ با وجود این برای پیروزی شما عزم خودمان را جزم نکردیم. به جانم سوگند که تو از هر دیده‌ای که آرزو دارد تو را ببیند غایب هستی؛ حتی اگر رؤیایش باشد.

محسن ابوالحب، به انتظار آمدن امام مهدی (عج) پیر گشته است؛ اما به عقیده شاعر انتظار او، انتظار سازنده‌ای نبوده و شاعر در راه رسیدن به محبوب و آرزوی پیروزی او، حرکت شایسته‌ای نکرده است. شاید بتوانیم بیان کنیم که علت این انتظار در وجود بشریت و از جمله هر ۴ شاعر، می‌تواند برگرفته از نویدهای صریح الهی در قرآن کریم و روایات متواتر باشد که مسئله ظهور امام مهدی (عج) و برپایی حکومت عدل را از مسلمات حتمی تاریخ برشمرده‌اند، از آیات متعدد قرآن (۳۲ و ۳۳ توبه، ۵۵ نور، ۵۱ غافر، ۱۰۶ و ۱۰۵ انبیاء، ۴ قصص، ۳۹ و ۳۸ سجده، ۱۷۳ و ۱۷۱ صافات، ۴۱ حج) به خوبی استنباط می‌گردد که جهان روز عظیمی را در پیش دارد که حکومت مطلق دنیا به دست پاکان و صالحان خواهد افتاد و روزی را که مسلمانان انتظار می‌کشند، همان روز ظهور امام مهدی (عج) و تشکیل حکومت اهل بیت (ع) است؛ روزی که آرزوی بشریت تحقق می‌یابد. تمام کائنات جهان، چشم به راه منجی آل محمد (ص) دست بر دعا گشوده‌اند؛ بی‌آنکه در رکود نشسته باشند. امام صادق (ع) در

تفسیر «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ...» (بقره / ۳) فرموده‌اند: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ: مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ الْقَائِمِ أَنَّهُ حَقٌّ»
«[الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ]: در حقّ کسانی است که به قیام قائم (عج) ایمان بیاورند و آن را حقّ بدانند.»
(سلیمان، ۱۳۸۱: ۳۵۷)

۱-۲-۴. بشارت به ظهور

پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) از اولین کسانی بودند که بشارت به ظهور مصلح جهانی داده‌اند که در محیطی پر از خفقان و ظلم ظهور می‌نماید و به اصلاح امت جدّ خویش می‌پردازند. شاعران متعدّد بسیاری نیز در میان اشعار خویش بشارت به ظهور امام مهدی (عج) داده‌اند. سید رضا موسوی هندی، برحسب محیط و شرایط خاصّ عراق و ناملایمت‌های رفته بر وطنش، بشارت به وجود امامی می‌دهد که در میان محیطی پر از اختناق و ظلم ظهور می‌کند:

وَأَنَّ زَمَانَ الظُّلْمِ إِنْ طَالَ لِيَأْتُهُ
فَعَن كَثَبٍ يَسُدُّو بِظُلْمَائِهِ الْفَجْرُ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۳)

ترجمه: و همانا زمان ظلم و ستم هرچند طولانی گردد پس به زودی در میان تاریکی، طلوع فجر آشکار خواهد گردید.

در این بیت، موسوی ستم را به تاریکی شب و ظهور امام مهدی (عج) را به طلوع ناگهانی سپیده صبح تشبیه می‌کند. می‌توانیم وجه شبه این تشبیه را در سایه تفسیر سوره فجر و احادیث متواتر این گونه شرح دهیم: اولاً امام مهدی (عج) طبق احادیث متواتر، در محیطی آکنده از ظلم و وحشت ظهور می‌نمایند و به اصلاح جامعه اقدام می‌کند. در این مورد به سخن پیامبر اکرم (ص) بسنده می‌نمایم که می‌فرمایند: «قسم به آنکه جانم به دست اوست، از ماست مهدی این امت که خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان‌طور که از ظلم و ستم پر شده باشد.» (هلالی، بی‌تا: ۲۰۵) ثانیاً در سوره فجر، «فجر در اصل به معنی شکافتن وسیع است و از آن‌جا که نور صبح تاریکی شب را می‌شکافد، از آن تعبیر به فجر شده است و می‌دانیم فجر بر دو گونه است: فجر کاذب و صادق. فجر کاذب همان سپیدی طولانی است که در آسمان ظاهر می‌شود و آن را تشبیه به دم روباه می‌کنند که نقطه باریک آن در طرف افق است و قاعده مخروط آن در وسط آسمان. فجر صادق از همان ابتدا در افق گسترش پیدا می‌کند. صفا و نورانیت و شفافیت خاصی دارد: مانند یک نهر آب زلال افق مشرق را فرامی‌گیرد و بعد در تمام آسمان گسترده می‌شود. فجر صادق، اعلام پایان شب و آغاز روز است. در این موقع روزه‌داران باید امساک کنند و وقت نماز صبح وارد می‌شود. بعضی فجر را در این آیه، به

معنی مطلق آن یعنی سپیده صبح تفسیر کرده‌اند که مسلماً یکی از نشانه‌های عظمت خداوند است؛ نقطه عطفی است در زندگی انسان‌ها و تمام موجودات زمینی. آغاز حاکمیت نور و پایان گرفتن ظلمت است؛ آغاز جنبش و حرکت موجودات زنده و پایان یافتن خواب و سکوت. «مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۴۴۲-۴۴۳» بنابراین می‌توانیم بیان کنیم، وجه شبه میان ظهور امام مهدی (عج) و طلوع فجر، آن طلوع ناگهانی است که یک‌باره در دل ظلمت و گرگ و میش شب رخ می‌دهد. در این بیت، موسوی هندی تاریکی شب را به ظلمت و ستم روزگار تشبیه می‌کند؛ همان‌طور که بعد از طولانی شدن شب و گسترده شدن سایه تاریکی آن بر همه جا، ناگهان سپیده صبح طلوع می‌کند و سینه سیاه شب را می‌شکافد. امام مهدی (عج) همچون فجر صادق در محیطی آکنده از ظلم و وحشت ظهور می‌نماید و به اصلاح جامعه اقدام می‌کند.

سلمان هراتی نیز از ظهور امام مهدی (عج)، با عنوان مقتدای آب‌های آشوب در ظلم و ستم روزگار یاد می‌کند:

ای مقتدای آب‌های آشوب / در روزگار جسارت مرداب / و گستاخی قارچ‌های مسموم / طوفان
آخرینی / که بر گستره خاک خواهد گذشت. (هراتی، ۱۳۸۸: ۲۲)

به نظر می‌رسد منظور شاعر از «جسارت مرداب»، کنایه از حکومت حاکمان فاسد و ظالم بر زمین باشد و منظور از تعبیر «گستاخی قارچ‌های مسموم»، کنایه از هتک حرمت به مقدسات اسلامی توسط برخی از فرقه‌های ضاله در عصر معاصر باشد.

موسوی هندی درباره ظهور حتمی امام مهدی (عج) این‌گونه می‌گوید:

فَأَخْبَرَ جَبْرِئِلَ النَّبِيَّ بِأَنَّهُ سَيَقْتُلُ عُودَانَ وَ قَاتِلُهُ شَمْرُ
وَأَنَّ بَيْنَهُ تِسْعَةٌ ثُمَّ عَدَّهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَالتَّاسِعُ الْقَائِمُ الطَّهْرُ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۶)

ترجمه: پس جبرئیل به پیامبر (ص) خبر داد که امام حسین (ع) از روی دشمنی و ظلم کشته خواهد شد و قاتلش هم شمر است و نیز به پیامبر خبر داد که فرزندانش نه نفرند؛ پس آن‌ها را با ذکر اسمیشان برشمرد؛ در حالی که نهمین آنان قائم مطهر است.

این دو بیت اشاره به حدیث مشهور جابر دارد که در آن پیامبر اکرم (ص) امامان معصوم بعد از خویش را به ترتیب به جابر انصاری معرفی می‌فرماید؛ که اولین آن‌ها امام علی (ع) و آخرین ایشان امام مهدی (عج) است. (قندوزی، ۱۹۹۷، ج ۳: ۵۰۱)

موسوی هندی، عاقبت هر سختی و فشار را، رسیدن به راحتی و آسایش بر طبق آیه شریفه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (شرح / ۶) معرفی می کند:

وَلَكِنَّ عُقْبَىٰ كُلِّ ضَيِّقٍ وَشِدَّةٍ رَخَاءٌ وَإِنَّ الْعُسْرَ مِنْ بَعْدِهِ يُسْرٌ
(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۳)

ترجمه: و اما عاقبت هر سختی و سرانجام هر تنگنا و سختی، راحتی و رفاه است و همانا بعد از هر سختی آسانی می آید.

قیصر امین پور، به آمدن روزی نوید می دهد که پایان تمام غم و اندوه بشریت است: ای روزهای خوب که در راهید! / ای روزهای گمشده در مه! / ای جاده‌های سخت ادامه! / از پشت لحظه‌ها به در آید! / ای روز آفتابی! / ای مثل چشم‌های خدا آبی! / ای روز آمدن! / ای مثل روز، آمدنت روشن! / این روزها که می گذرد، هر روز / در انتظار آمدنت هستم! / اما / با من بگو که آیا، من نیز / در روزگار آمدنت هستم؟ (امین پور، ۱۳۹۰: ۶۴-۶۵)

شاعر با این عبارت و بیان هنری، اعلام می دارد که امام مهدی (عج) خواهند آمد و روز ظهور ایشان روزی خواهد بود که تمام جهان در انتظار آمدن آن به سر می برند و اما پرسش آرزومندان شاعر این است که آیا در عصر ظهور امام مهدی (عج) شاعر حضور خواهد داشت؟
شیخ محسن ابوالحب در مورد امام مهدی (عج) این گونه بشارت می دهد:

بُشْرَى الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ بِالْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ
بِصَاحِبِ الزَّمَانِ مَنْ سَادَ جَمِيعَ الْبَشَرِ

(ابوالحب، بی تا: ۸۳)

ترجمه: امام حسن عسکری (ع) به وجود امام (عج) که قائم، منتظر و صاحب عصر و زمان است، بشارت داد که بر تمامی بشر سروری دارد.

سلمان هراتی، در ابیاتی سرشار از تعبیر ادبی، زمین را به روز بزرگی بشارت می دهد؛ روزی که حکومت جهانی امام مهدی (عج) گسترده می گردد و بساط ظلم و ستم در جامعه برچیده خواهد شد: چراغ‌های سرخ / مجال را از خفاش ربودند / و زمین را / به روزی بزرگ / بشارت دادند. (هراتی، ۱۳۸۸: ۲۴)

به نظر می رسد در شعر سلمان هراتی، چراغ‌های سرخ نماد پرچم سرخ یمانی باشد که در آخر الزمان مجال حیات را از خفاش که نماد دشمنان اسلام است می رباید. همان گونه که می دانیم، حق عین نور

است و خفاش‌ها از نور گریزانند. به نظر می‌رسد، این اعتقاد شاعر برگرفته از این حدیث مشهور از امام صادق (ع) باشد که فرمودند: «خروج این سه، سفیانی و خراسانی و یمانی، در یک سال و یک ماه و در یک روز خواهد بود و هیچ پرچی به اندازه «پرچم یمانی» به هدایت نزدیک نمی‌باشد؛ زیرا آن، مردم را به جانب حق دعوت می‌کند.» (قطب‌الدین راوندی، بی‌تا: ۸۰۶)

امین‌پور، ظهور امام مهدی (عج) را از مشرق زمین بشارت می‌دهد و مثل اینکه می‌خواهد میزبان ظهور را مشرق معرفی نماید:

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
دوباره پلک دلم می‌پرد، نشانه چیست؟ شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی

(امین‌پور، ۱۳۸۷: ۴۰۹)

به نظر می‌رسد، منظور شاعر از عبارت «مشرق جغرافیای عرفانی»، کعبه است؛ زیرا شاعر با تکیه بر احادیث متواتر در مورد اینکه ظهور امام مهدی (عج) در مکه صورت می‌گیرد، به این باور رسیده است. می‌توان به این سخن از امام صادق (ع) در مورد محل ظهور امام مهدی (عج) بسنده کرد که می‌فرماید: «فائم در آن روز در مکه خواهد بود؛ در حالی که پشت به بیت الله الحرام داده و به آن پناهنده شده صدا می‌زند...» (ابن ابی زینب، بی‌تا: ۳۲۹) در بسیاری از روایات، از مشرق زمین و نقش مردم آن پیش از ظهور و پس از آن یاد شده است. واژه مشرق در روایات، به همه کشورهای که در قسمت خاوری حجاز واقع شده‌اند، گفته می‌شود. (تونه‌ای، ۱۳۹۱: ۶۶۱) در بیت دوم نیز، شاعر با اشاره به باور عامیانه پریدن پلک دل، اوج انتظار را برای آمدن امام (عج) به مهمانی دل‌ها مجسم می‌کند. امین‌پور در بیتی دیگر، به انتظار مردی نشسته است که کلید شهر آینه‌ها را با خود به همراه دارد:

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد

(امین‌پور، ۱۳۸۷: ۴۰۹)

۲-۱-۵. مدینه فاضله مهدوی

تا آن‌جا که در حافظه تاریخ به یاد مانده است، هیچ‌گاه انسان از اندیشه بهتر زیستن فارغ نبوده و همیشه نگاه او برای یافتن آینده‌ای بهتر و سامان‌یافته‌تر، دوردست‌ها را نظاره کرده است. این رؤیا در زندگی انسان به گونه‌های مختلفی تبلور یافته است و بارزترین آن را در اندیشه «مدینه فاضله» می‌یابیم. اما مهم‌ترین و برجسته‌ترین خصوصیات مدینه فاضله اسلامی که تحقق آن را پس از ظهور منجی عالم

بشریت مهدی (عج) به ما وعده داده‌اند، در نظر هر ۴ شاعر این چنین تجلی یافته است: مدینه عدل و مدینه رفاه.

۲-۱-۵-۱. مدینه عدل

بشر در طول حیات خویش، در جستجوی تحقق آرمان شهری بوده است که تنها در سایه حکومت امام مهدی (عج) محقق می‌گردد و مشخصه بارز آن عدالت همگانی است. در زیارت صاحب الامر می‌خوانیم: (السلام علی القائم المنتظر و العدل المستهر). در خصوصیات قیام و حکومت امام زمان (عج)، هیچ ویژگی به اندازه عدالت و قسط روشنی ندارد. آن قدر که در روایات بر ویژگی عدالت گستری آن حضرت تأکید شده، بر سایر مسائل چنین ابرامی نرفته است و این نشان از برجستگی این مهم در دوران ظهور دارد. (تونه‌ای، ۱۳۹۱: ۴۸۴)

موسوی هندی، فرجام نابودی حکومت ظلم و ستم را تنها در سایه عدالت امام مهدی (عج) محقق می‌داند:

وَيُطَوَّى بِسَاطِ الْجُورِ فِي عَدْلِ سَيِّدٍ
لَأَلْوِيَةِ الدِّينِ الْحَنِيفِ بِهِ التَّشْرِ
فَأَنْتَجِ هَذَا الْقَوْلُ إِنْ كُنْتَ مُضْغِيًّا
وَجُوبِ إِمَامٍ عَادِلٍ أَمْرُهُ الْأَمْرُ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۳-۵۵)

ترجمه: و بساط ظلم با عدالت آقایی در هم پیچیده خواهد شد که پرچم‌های دین حنیف به وسیله او برافراشته می‌شود. اگر خوب گوش کنی، نتیجه گفتار این است که واجب است امام عادل وجود داشته باشد که فرمان او فرمان است.

وجود امام عادل، که خداوند به خاطر گسترش عدل به فرمان او جهان را اداره نماید و عدالت ایشان در واقع دلیل بقاء حیات انسان‌ها باشد، در هر عصری واجب است. کلام موسوی هندی می‌تواند برگرفته از این سخن پیامبر اکرم (ص) باشد که فرمودند: «زمین هرگز خالی از حجت نخواهد بود که یا ظاهر و آشکار و یا خائف و نهان خواهد بود تا حجت‌ها و بینات حضرت پروردگار باطل نشود.» (سلیمان، ۱۳۸۱: ۷۲)

محسن ابوالحُب نیز درباره عدالت امام مهدی (عج) می‌گوید:

يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا
قَدْ مُلِئَتْ بِالسُّرْرِ
حَتَّى يَسْوُدَ عَصْرُهُ
عَلَى جَمِيعِ الْأَعْصَرِ

(ابوالحُب، بی تا: ۸۳)

ترجمه: زمین را پر از عدل می‌کند همان‌طور که از شادی پر شده باشد؛ تا اینکه عصر حکومت او، بر تمامی عصرها و دوره‌های برتری می‌یابد.

سلمان هراتی، عدالت موعود را با زبانی دلنشین و تعابیری زیبا برای خواننده تجسم می‌کند که بشریت سالیان متمادی در انتظار تحقق آن است؛ عدالتی که دلیل جنبش و تکاپوی زمین افسرده، دادگاه محاکمه و به دار آویختن ظالمان دهر است. سلمان هراتی، زمین را به انسانی تشبیه کرده که منتظر گامی بلند برای متحول کردن جهان است:

ای دلیل جنبش زمین قسم به فجر/ تا تو لُذ بهار عدل در جهان/ ظالمان دهر را به دار می‌کشیم/ گوش را به نبض تند خاک می‌دهیم/ گام عادل‌ی بزرگ را منتظر، شماره می‌کند./ در بهار، اعتراف سبز باغ را شنیده‌ام که می‌شکفت/ اذن رویش بهار را تو داده‌ای (هراتی، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۳)

قیصر امین‌پور، عدالت امام مهدی (عج) را در تصویری ترسیم می‌کند که در عصر ظهور بر هیچ‌کس ظلمی نمی‌رود و همه عناصر حیات در زندگی بشریت به طور مساوی تقسیم خواهد شد: روزی که باغ سبز الفبا/ روزی که مشق آب عمومی ست/ دریا و آفتاب/ در انحصار کسی نیست. (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۶۴)

در بررسی شعر شاعران معاصر دربارهٔ مدینهٔ فاضلهٔ مهدوی، می‌توانیم عدالت را به عنوان مشخصهٔ اصلی این آرمان‌شهر معرفی نماییم و این برگرفته از این سخن پیامبر اکرم (ص) در مورد عدالت جهانی امام مهدی (عج) است که فرمودند: «لا تذهب الدنيا حتى يقوم من أمي رجل من ولد الحسين يملأ الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً؛ دنیا به پایان نمی‌رسد تا اینکه مردی از امت من، از فرزندان حسین، بیاید؛ در حالی که زمین را همان‌طور که از ظلم پر شده است از عدل پر می‌کند.» (حرّ عاملی، ۱۴۲۵، ج ۵: ۲۷۵) چون مهدی (عج) در آید - پس از سختی‌ها که افتد و جنگ‌ها که رود - ظلم و ستم را براندازد و سراسر زمین را از عدل و داد پر کند. هیچ جای در زمین باقی نماند؛ مگر اینکه از برکت عدل و احسان او فیض برد و زنده شود؛ حتی جانوران و گیاهان نیز از این برکت، عدالت و داد، نکویی بهره‌مند گردند و همهٔ مردم در زمان مهدی، توانگر و بی‌نیاز شوند. (حکیمی، ۱۳۸۲: ۳۳)

۲-۱-۵. مدینهٔ رفاه

شاعران در شعر خویش آرمان‌شهری را آفریدند که حتی در خواب هم رؤیای آن را ندیده بودند. یکی دیگر از مشخصه‌های آرمان‌شهر مهدوی، رفاه و آسایش موجود در سایهٔ حکومت امام مهدی (عج)

است که شاعران این رؤیا را با بیانی هنری ترسیم کرده‌اند. موسوی هندی، آرمان شهر خویش را این گونه معرفی کرده است:

وَإِنِّي لأرْجُو أنْ يَجِيَنَ ظُهُورُهُ لِيَنْتَشِرَ الْمَعْرُوفُ فِي النَّاسِ وَالسِّرُّ
وَيَجِيِي بِهِ قَطْرُ الْحَيَا مَيْتِ الثَّرَى وَيَمْطُرُهَا فَيُضُّ النَّجِيعَ فَتَنْحَمِرُّ
وَيَطْهَرُ وَجْهَ الْأَرْضِ مِنْ كُلِّ مَائِمٍ وَرَجَسٍ فَلَا يَبْقَى عَلَيْهَا دَمٌ هَدَرُّ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۸)

ترجمه: همانا امیدوارم که هنگام ظهور او فرارسد تا خیر و نیکی در میان مردم منتشر کند و به واسطه او قطرات باران، زمین مرده را زنده کند و خون‌های سرخ تیره‌رنگ بر آن فروریزد تا سرخ گردد و چهره زمین از هر گناه و پلیدی پاک شود و روی آن خون هدر رفته‌ای باقی نماند.

با توجه به ابیات فوق، خصوصیات آرمان شهر شاعر را می‌توان در موارد زیر برشمرد: اولاً از دو بیت نخست می‌توان به انتشار خیر و برکت پی برد که یکی از ویژگی‌های دوران حکومت حضرت مهدی (عج) رواج برکت است. ثانیاً از مصراع دوم، بیت دوم و بیت سوم برمی‌آید که با ظهور حضرت مهدی (عج) چهره زمین از وجود هر گناه و پلیدی پاک می‌گردد و انتقام هر خون‌مظلومی که بناحق بر روی زمین ریخته شده است گرفته خواهد شد. این عقیده شاعر، برگرفته از سخنی از امام صادق (ع) است که فرمودند: «چون هنگام ظهور مهدی (عج) نزدیک شود، در تمام ماه جمادی‌الآخر و ده روز نخست ماه رجب، بارانی بر مردم بیارد که تا آن هنگام، مانند آن را ندیده باشند. پس خداوند به وسیله آن، گوشت بر بدن مؤمنان که در قبرهایشان خفته‌اند برویاند.» (جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ۱۳۷۸: ۳۰۸)

محسن ابوالحب، با اقتباس از مفهوم آیه شریفه: «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا: خدا به زودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد» (طلاق / ۷) از راحتی و رفاه می‌گوید. او طبق اعتقادات خویش، عصر ظهور امام مهدی (عج) را دوران پایان تمام سختی‌ها می‌داند:

عَسَى اللَّهُ بَعْدَ الْيَوْمِ يَبْدِلُ عُسْرَنَا بَيْسِرَكَ إِنْ الْعُسْرَ يَقْبِئُهُ الْيُسْرُ

(ابوالحب، ۱۳۸۵: ۸۲)

ترجمه: امید است که خداوند بعد از امروز، سختی‌هایمان را با تو به رفاه تبدیل کند؛ زیرا سختی، آسایش و رفاه را در پی دارد.

به عقیده قیصر امین‌پور، فصل بخشش و برکت و امنیت تنها در سایه ظهور محقق می‌یابد و شاعر پناهگاه امنی جز ولایت امام مهدی (عج) نمی‌یابد:

فصل تقسیم گل و گندم و لبخند رسید	فصل تقسیم غزل‌ها و غزل‌خوانی‌ها
سایه امن کسای تو مرا بر سر بس	تا پناهم دهد از وحشت عربانی‌ها
چشم تو لایحه روشن آغاز بهار	طرح لبخند تو پایان پریشانی‌ها

(امین‌پور، ۱۳۷۸: ۳۵۵-۳۵۶)

سلمان هراتی نیز در این مورد این‌گونه می‌گوید:

مگر قرار نیست او رنج را / از آرنج‌مان پاک کند / و در سایه استراحت / آرامش را بین ما تقسیم کند.

(هراتی، ۱۳۸۸: ۸۰)

قیصر امین‌پور، امنیت جهان را در مدینه فاضله، باعث ارزش یافتن تمام معیارها، جهانی بدون جنگ و درگیری می‌داند:

روزی که روی قیمت احساس / مثل لباس / صحبت نمی‌کنند / پروانه‌های خشک شده، آن روز / از لای برگ‌های کتاب شعر / پرواز می‌کنند / و خواب در دهان مسلسل‌ها / خمیازه می‌کشد / و کفش‌های کهنه سربازی / در کنج موزه‌های قدیمی / با تار عنکبوت گره می‌خورند / روزی که آسمان / در حسرت ستاره نباشد / روزی که آرزوی چنین روزی / محتاج ستاره نباشد. (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۴)

شاعر با استفاده از تعابیر (تار عنکبوت بر کفش‌های سرباز) و (خواب در دهان مسلسل‌ها) یکی از خصوصیات مدینه فاضله مهدوی؛ یعنی پایان یافتن جنگ‌ها در عصر ظهور را به تصویر می‌کشد و در عبارات (پروانه‌های خشک شده، آن روز / از لای برگ‌های کتاب شعر / پرواز می‌کنند) شاعر، دنیا را به روزی نوید می‌دهد که با ظهور امام مهدی (عج) به آرامش واقعی و امنیت خواهد رسید؛ روزی که جهان جان تازه می‌گیرد و وعده‌های الهی تحقق خواهند یافت. این ابیات، تجلی این وعده الهی در زمان قیام امام مهدی (عج) خواهند بود؛ چون خداوند می‌فرماید: «... وَلَيبدَلنَّكُمْ مِن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...» ... به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد. بی‌هیچ شایبه، شرک و ریا پرستش کنند...» (قصص / ۵۵) چون از ابتدای تاریخ تاکنون هنوز هم این وعده الهی تحقق پیدا نکرده است و این روز همان روز ظهور امام مهدی (عج) و تشکیل حکومت عدالت جهانی ایشان است. هر ۴ شاعر معاصر عرب و فارس، با تکیه بر احادیث متواتر و با زبان شعر و احساسات، حکومت عادلانه امام مهدی (عج) را تحت عنوان مدینه فاضله برای خوانندگان تجسم کرده‌اند.

۳. دیدگاه متفاوت شاعران

سید رضا موسوی هندی، شیخ محسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین پور، بنابر موقعیت مکانی و فکری و وجودیشان در مورد امام مهدی (عج) دارای اسلوب و بیانی متفاوت هستند. تفاوت نگرش این ۴ شاعر در موضوعاتی همچون القاب امام مهدی (عج)، رجعت، پاسخ به انحرافات در زمینه غیبت و در مورد مسأله سرداب سامراً تجلی یافته است.

۳-۱. القاب امام مهدی (عج)

از ابتدا، تاریخ بشریت تا به امروز، جهان در انتظار منجی و موعود مصلح آخر زمان بوده است و در کتب ادیان مختلفی، از این مصلح با نام‌های متفاوت یاد شده است. سید رضا موسوی هندی و محسن ابوالحب، برحسب محیط اجتماعی و فرهنگ کشورشان و اطلاع گسترده از القاب متواتر امام مهدی (عج)، از ایشان با القاب متفاوت در شعرشان یاد کرده‌اند؛ در حالی که سلمان هراتی و قیصر امین پور تنها از امام مهدی (عج) با تعابیر ادبی مختلف بسنده کرده‌اند و در شعر خویش از القاب متواتر ایشان هیچ بهره‌ای نبرده‌اند.

موسوی هندی و محسن ابوالحب، با اقتباس از روایات متواتر، از امام مهدی (عج) با نام‌های (صاحب عصر و صاحب زمان) یاد می‌کنند:

يا صاحب العصر أدركنا فلَيْسَ لنا وردٌ هني لا عيشَ لنا رغدٌ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۷۲)

ترجمه: ای صاحب عصر ما را دریاب که برای ما جز تو، لذت و بهره‌ای نداریم و زندگی برای ما آسایشی ندارد.

بصاحب الزمان من ساد جميع البشـر

(ابوالحب، بی تا: ۸۳)

ترجمه: به صاحب زمان، کسی که بر تمامی بشر سروری دارد.

در احادیث فراوانی که از اهل بیت (ع) رسیده نیز عنوان «صاحب الزمان» به حضرت مهدی (عج) اطلاق شده است. امام صادق (ع) فرمودند: «غیبت محققاً درباره ششمین فرزند من باشد که دوازدهمین امامان رهبر است پس از رسول خدا (ص) که اول آن‌ها علی بن ابی طالب است و آخرشان قائم بالحق بقیة الله فی الارض و صاحب الزمان است. به خدا اگر در غیبت بماند؛ آن اندازه که نوح در قوم خود ماند، از

دنیا نرود تا ظهور کند و زمین را پر از عدل و داد نماید؛ چنان که پر از جور و ستم شده است.» (ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۱۱)

موسوی هندی و ابوالحب، از امام مهدی (عج) با لقب «قائم» یاد می‌کنند:

هُوَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ ذُو الْوَطَاةِ الَّتِي بِهَا يَذُرُّ الْأَطْوَادَ يَرْجُحُهَا الذَّرُّ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۳)

ترجمه: او مهدی قائم، صاحب قدرتی است که با آن انسان‌های همچون کوه را مغلوب انسان‌های ضعیف همچون مورچگان می‌کند.

بُشْرَى الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ بِالْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ

(ابوالحب، بی تا: ۸۳)

ترجمه: امام حسن عسکری (ع) به وجود قائم و منتظر بشارت داد.

هر دو شاعر، از امام مهدی (عج) با لقب (قائم) یاد کرده‌اند. این لفظ برگرفته از احادیث متواتری در این زمینه است. می‌توانیم به وجه شبه این لفظ، سخنی از پیامبر اکرم (ص) را ذکر کنیم که فرمودند: «سَمِيَ الْقَائِمُ قَائِمًا لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ» یعنی از این جهت او را «قائم» می‌گویند که پس از فراموش شدن نامش قیام می‌کند. (مجلسی، بی تا: ۲۳۱) در مورد لقب (مهدی) نیز که در کلام موسوی هندی آمده است، باید بیان کنیم که طبق سخنی از امام علی (ع) که می‌فرمایند: «به او مهدی گفته می‌شود؛ زیرا او به کار مخفی هدایت می‌کند و تورات و انجیل را از سرزمین انطاکیه بیرون می‌آورد.» (سلیمان، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۵۴)

سید رضا موسوی هندی و شیخ محسن ابوالحب، از امام مهدی (عج) با القاب «مأمول» و «مرتجی» یاد کرده‌اند:

هُوَ الْغَائِبُ الْمَأْمُولُ يَوْمَ ظُهُورِهِ يَلْبِيهِ بَيْتُ اللَّهِ وَالرُّكْنُ وَالْحِجْرُ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۳)

ترجمه: او غایبی است که به روز ظهورش امید می‌رود. کعبه و رکن و حجرالأسود به او لَبَّيْكَ خواهند گفت.

هَذَا الْإِمَامُ الْمُرْتَجَى لِكُلِّ أُمَّرٍ مُعَسَّرٍ

(ابوالحب، بی تا: ۸۳)

ترجمه: این همان امامی است که برای هر گرفتاری به او امید می‌رود.

«مأمول» و «مرتجی» یعنی امید داشته شده؛ کسی که آرزوی او را دارند و آنچه یا آنکه مایه امید باشد و «مؤمل» نیز که از القاب حضرت شمرده می‌شود، به همین معناست. شیخ طوسی (ره) در کتاب غیبت از امام حسن عسکری (ع) روایت کرده است که چون امام زمان (ع) متولد شد فرمود: «ستمکاران می‌خواستند مرا بکشند تا نسل من قطع شود. اکنون کجا هستند که قدرت خداوند را ببینند؟ از این رو امام آن مولود را «مؤمل» نامید.» (مجلسی، بی تا: ۲۳۱)

سلمان هراتی و قیصر امین پور در اشعار خویش، از هیچ کدام از القاب مشهور امام مهدی (عج) استفاده نکرده‌اند و تنها از تعابیر ادبی مختلف در مورد ایشان یاد می‌کنند؛ زیرا زبان شعری این دو شاعر از نظر ادبی قوی‌تر از شاعران عرب است. سلمان هراتی از امام مهدی (عج) با تعابیر «مقتدای آب‌های آشوب، شوکت طلوع هزار آفتاب، پیشوای اقیانوس‌های شورش، منجی، پیشوای کاروان عشق و منتظر» یاد می‌کند. (هراتی، ۱۳۸۸: ۲۲-۹۴) قیصر امین پور نیز از امام مهدی (عج) با تعبیر «آفتاب پنهانی» یاد می‌کند. (امین پور، ۱۳۷۷: ۳۰۴)

با بررسی اشعار هر ۴ شاعر می‌توانیم این را بیان کنیم که شاعران عرب با اقتباس از روایات متواتر، القاب مشهور امام مهدی (عج) را در اشعار خویش به کار برده‌اند؛ در حالی که هراتی و امین پور برحسب مقتضای زبان شعر و بیان ادبی خود از امام مهدی (عج) با تعابیر ادبی مختلف یاد کرده‌اند که نشان‌دهنده ظرافت هنری اشعار این دو شاعر است.

۲-۳. رجعت

لغت‌شناسان معنی این واژه را، بازگشتن و برگشتن می‌دانند. در فقه شیعه نیز به همین مفهوم به کار برده شده است. رجعت را بازگشت حضرت مهدی (عج) و قیام او و در نتیجه برگشتن دولت و حکومت به دست آل محمد نیز معنا کرده‌اند. (شهمیری، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۲) اهمیت مسأله رجعت، از جهت وابستگی آن به ظهور حضرت مهدی (عج) است؛ زیرا ظهور منجی، مسأله‌ای حیاتی و جهانی است که شیعه و سنی و حتی بسیاری از غیر مسلمانان به آن اعتراف دارند. (همان: ۲۹)

در میان شاعران مد نظر در دو زبان، تنها شاعران عرب به مسأله رجعت پرداخته‌اند و سلمان هراتی و قیصر امین پور در اشعار خویش به این مسأله اشاره نکرده‌اند. سید رضا موسوی هندی، به رجعت (نزول) حضرت عیسی (ع) در عصر ظهور اعتقاد دارد؛ زیرا طول عمر امام مهدی (عج) را تا به هنگام نزول عیسی (ع) می‌داند و به این مسأله در دیوان خویش این گونه اشاره می‌کند:

وَلَيْسَ بِمَوْعُودٍ إِذَا قَامَ مُسْرِعًا إِلَى وَقْتِ عَيْسَى يَسْتَطِيلُ لَهُ الْعُمُرُ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۷)

ترجمه: اگر او زود قیام کند، دیگر موعود نخواهد بود؛ بلکه باید تا وقت رجعت عیسی (ع) عمر او طولانی گردد.

محسن ابوالحب نیز عصر ظهور امام مهدی (عج) را در حالی به تصویر می‌کشد که گویی جبرئیل در سمت راست ایشان و سپاهیان به دنبال ایشان در حال حرکت هستند و در بیت دوم به نزول حضرت عیسی (ع) نیز اشاره می‌کند که با چهره‌ای درخشان در پشت سر امام مهدی (عج) در حال حرکت است:

جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَجُنُودُهُ فِي الْأَثَرِ
وَالرُّوحُ عَيْسَى خَلْفَهُ يَسْمَعِي بِأَجْمِي مَنْظَرٍ

(ابوالحب، بی تا: ۸۳)

ترجمه: جبرئیل در سمت راست اوست او و سربازانش به دنبال ایشان و حضرت عیسی (ع)، در پشت سر او با درخشنده‌ترین چهره حرکت می‌کند.

این تصویرسازی شاعر، ظرافت هنری زبان ادبی او را برای مخاطبان مجسم می‌نماید زیرا شاعر با اقتباس از آیات و روایات متواتر از اهل بیت (ع)، نزول حضرت عیسی (ع) را به تصویر کشیده است. از ظهور حضرت بقیة الله (عج) و از نزول حضرت مسیح (ع) با لفظ «رجعت» تعبیر شده است که از نظر معنای لغوی درست است؛ ولی از نظر اصطلاح، صحیح نیست؛ زیرا رجعت در اصطلاح کلامی شیعه، عبارت از بازگشت پس از مرگ است؛ در حالی که وجود اقدس حضرت صاحب الزمان (عج) در پشت پرده غیبت است و از پرده بیرون می‌آید و وجود مقدس حضرت عیسی (ع) در آسمان‌هاست که پس از ظهور ولی عصر (عج) او نیز نازل می‌شود و در پیاده کردن عدالت اجتماعی، یار و مددکار آن مهر تابان می‌شود. از این رهگذر، در مورد امام زمان (عج) به لفظ «ظهور» تعبیر می‌شود و درباره حضرت عیسی (ع) «نزول» و تعبیر رجعت اصطلاحی صحیح در حق آن‌ها نیست. و اما فرمان رجعت، همانند فرمان ظهور، از طرف خداوند متعال صادر می‌شود و جمعی از بندگان خالص خداوند که سال‌ها و احیاناً قرن‌ها پیش از آن، دیده جهان فرو بسته‌اند بازمی‌گردند و تجلی قدرت خداوند را در دولت کریمه حضرت مهدی (عج) می‌بینند. (تونه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۵۰)

در مورد رجعت حضرت عیسی (ع) می‌توانیم به تفسیر این آیه شریفه بسنده نماییم: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ (نساء / ۱۵۹): هیچ‌یک از اهل کتاب نیست؛ جز اینکه پیش از مرگ به او ایمان خواهد آورد.» در این آیه هر دو ضمیر «به ... موته» به حضرت مسیح برمی‌گردند؛ یعنی همه یهودیان و مسیحیان، هنگامی که خداوند متعال در زمان ظهور مهدی موعود، مسیح را برای کشتن دجال؛ به زمین می‌فرستد و همه ملل جهان در زیر پرچم اتحاد و اتفاق درآمده، اسلام را می‌پذیرند، پیش از مرگش به او ایمان خواهند آورد. ثانیاً ضمیر «به» به مسیح و ضمیر «موته» به کتاب می‌گردد؛ یعنی هر یک از یهودیان و مسیحیانی که از دار دنیا می‌روند، پیش از مرگ خود به عیسی ایمان می‌آورند و آن هنگامی است که تکلیف زایل شده و مرگ حتمی است؛ لکن این ایمان به حالشان فایده‌ای ندارد. علت اینکه یهودیان و مسیحیان هر دو را ذکر کرده، این است که هر دو فرقه بر باطلند. یهود از راه کفر و نصاری از راه غلو. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۱۳۹-۱۴۰)

۳-۳. پاسخ به انحرافات

از دیرباز تاکنون، بعد از آغاز غیبت کبری، بارها و بارها شاهد وجود فرقه‌های گوناگون با دیدگاه‌های مختلف درباره حضرت ولی عصر (عج) بوده‌ایم. سید رضا موسوی هندی و محسن ابوالحب به مسأله انحرافات پاسخ گفته‌اند؛ به طوری که شعرشان آیینۀ تمام‌نمای وسعت علوم دینی این دو شاعر در زمینه شناخت امام مهدی (عج) می‌باشد:

۳-۳-۱. غیبت

سید رضا موسوی هندی در قصیده صاحبیه خویش، سخن کسانی که علت غیبت امام مهدی (عج) را ترس ایشان پنداشتند رد می‌کند و علت واقعی طولانی شدن غیبت را خواست و اراده الهی معرفی می‌نماید:

وَقَوْلِكَ إِنَّ الْإِخْتِفَاءَ مَخَافَةٌ	مِنَ الْقَتْلِ شَيْءٌ لَا يَجُوزُهُ الْحِجْرُ
وَكَمْ مِنْ رَسُولٍ خَافَ أَعْدَاءَهُ فَاحْتَفَى	وَكَمْ أَنْبِيَاءٍ مِنْ أَعَادِيهِمْ فَرَّوْا
فَقُلْ فِيهِ مَا قَدْ قُلْتَ فِيهِمْ فَكُلُّهُمْ	عَلَى مَا أَرَادَ اللَّهُ أَهْوَاؤُهُمْ قَصْرُ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۶-۵۷)

ترجمه: و این سخن که گفته‌ای قطعاً پنهان شدن آن حضرت به واسطه ترس از کشته شدن است، عقل آن را جایز نمی‌داند و چه بسا رسولی که از دشمنانش ترسید و پنهان شد. چه بسیارند پیامبرانی که از دشمنانشان

گریختند. درباره او بگو هر آنچه را که درباره آنان گفته‌ای. همه خواسته‌های آنان منحصر در امر و اراده الهی است.

موسوی هندی، سخن منحرفانی که علت غیبت امام مهدی (عج) را ترس ایشان از شهادت معرفی می‌کنند، بصراحت رد می‌کند و با استناد به علت پنهان شدن پیامبر (ص) در غار ثور و به نیل افکندن حضرت موسی (ع)، علت غیبت امام مهدی (عج) را تنها فرمان و اراده الهی معرفی می‌نمایند.

محسن ابوالحب نیز در پاسخ به این مسأله، داستان غیبت حضرت عیسی (ع) را بیان می‌کند:

لَقَدْ زَعَمَ الْأَقْوَامُ أَنَّكَ لَمْ تُكُنْ أَوْ أَنَّكَ مَيِّتٌ ضَمَّ جِشْكَ الْقَبْرِ
وَعِيَهُ عِيسَى لَمْ تُكُنْ خَوْفَ قَتْلِهِ فَاخْتَفَى وَلَكِنَّهَا سِرٌّ وَغَيْبُكَ السِّرِّ

(ابوالحب، ۱۳۸۵: ۸۳)

ترجمه: گروه‌هایی پنداشتند که تو نیستی یا اینکه مرده‌ای و جسم تو را قبر در بر گرفته است؛ در حالی که غیبت عیسی (ع) از روی ترس او از قتلش نبود و علت آن راز بود و غیبت تو نیز راز است.

بنابراین اگر بیان شود که سبب غیبت امام مهدی (عج) از بیم جان است، باید بیان کنیم در این عصر که شیعه از آسایش و امنیت و آزادی کلام بیشتری نسبت به دوره‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس و... برخوردار است، چرا ایشان ظهور نمی‌کند؟ پاسخ این است که بنابراین سخن از عبیدالله بن فضل هاشمی که می‌گوید از امام صادق (ع) شنیدم که فرمودند: «صاحب‌الامر غیبتی دارد که از آن ناچار است که هر باطل‌جویی در آن به شک می‌افتد. گفتم: قربانت چرا؟ فرمود: برای علتی که ما مأذون نیستیم آن را بیان کنیم برای شما. گفتم: حکمت در غیبت او چیست؟ فرمود: سبب حکمت در غیبت او همان سبب حکمت در غیبت کسانی از حجّت‌های خداست که پیش از او بودند. به درستی که وجه حکمت در این باره منکشف نشود؛ مگر پس از ظهورش. چنان‌که وجه حکمت کارهای خضر از شکستن کشتی و کشتن پسر بی‌جه و برپا داشتن دیوار شکسته به موسی هویدا نشد؛ مگر بعد از آنکه از هم جدا شدند. ای پسر فضل! این امری است از امور خدای تعالی و سرّی است از اسرار او و غیبتی است از غیوب او و چون دانستیم که خدای عزّ و جلّ حکیم است، تصدیق داریم که همه افعال او حکیمانه است و اگرچه وجه آن برای ما منکشف نباشد.» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۱: ۱۵۹-۱۶۰)

۳-۳-۲. مسأله سرداب سامرا

سرداب مقدّس، زیرزمینی است در سامرا، کنار مزار امام هادی و امام عسکری (ع). این سرداب، محلّ زندگی و عبادت امام هادی (ع)، امام حسن عسکری (ع) و حضرت مهدی (عج) بوده و تمام دیدارها

با حضرت مهدی (عج) در زمان پدرش، در همین منزل و سرداب انجام می‌گرفته است. خانه امام عسکری (ع) مانند دیگر خانه‌های عراق، شامل غرفه‌ای برای مردان، غرفه‌ای برای زنان و سرداب بوده که سرداب نیز شامل غرفه‌هایی برای مردان و زنان بوده است و در تابستان از شدت گرما به این سرداب پناه می‌برده‌اند. (تونه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۹۶)

متأسفانه برخی نویسندگان و مورخان، داستانی ساختگی را مبنی بر غایب شدن امام زمان (عج) در سرداب در نوشته‌های خویش آورده و با متهم ساختن شیعیان به انتظار خروج امام زمان (عج) از سرداب، آن را به استهزا گرفته و شیعه را مورد انتقاد قرار داده‌اند. سید رضا موسوی هندی، به این مسأله با صراحت پاسخ گفته است:

وَمَا أَسْعَدَ السَّرْدَابَ فِي سِرٍّ مِّن رَّأْيٍ وَأَسْعَدَ مِنْهُ مَكَّةُ فَلَهَا الْبِشْرُ
سَيْشِرْقُ نُورُ اللَّهِ مِنْهَا فَلَا تُقْل لَهُ الْفَضْلُ عَنِّ أُمَّ الْقُرَىٰ وَلَهُ الْفَخْرُ

(موسوی، ۱۳۸۸: ۵۷)

ترجمه: چقدر سعادت‌مند و خوش اقبال است سرداب شهر سامرا و خوش اقبال‌تر از آن شهر مکه است زیرا بشارت‌هایی بر این شهر داده شده است. نور خدا از مکه طلوع خواهد کرد؛ پس نگو که سامرا بر مکه فضیلت دارد و افتخار از آن سامرا است.

در بسیاری از احادیث متواتر، از کعبه به عنوان محلّ ظهور امام مهدی (عج) نام برده شده است. سید رضا موسوی هندی در قصیده خویش، با تکیه بر روایات متواتر، به طرح مسأله سرداب سامرا و اشاره به اینکه ظهور امام مهدی (عج) در مکه صورت می‌گیرد می‌پردازد. از روایات معتبر در این زمینه می‌توانیم به سخنی از امام صادق (ع) بسنده کنیم که فرمودند: «قائم آل محمد (ص) از پشت کعبه همراه بیست و هفت تن ظهور می‌فرماید.» (فتال نیشابوری، بی‌تا: ۴۳۴) بنا بر احادیث متواتر، ما شیعیان چشم انتظار ظهور امام مهدی (عج) در کنار کعبه هستیم و مقدّس شمردن سرداب سامرا از سوی شیعیان، موجب این نمی‌شود که دشمنان اهل بیت (ع) شیعیان را متهم کنند بر اینکه امام زمان (عج) در این سرداب مخفی شده است. شیعیان سرداب را تنها به این دلیل مقدّس می‌شمارند که محلّ زندگی و نیایش سه امام معصوم و نیز محلّ زندگی حضرت حکیمه خاتون و نرجس خاتون (ع) بوده است.

وجود اشعاری در قالب پاسخ به شبهات در مورد امام مهدی (عج) در شعر عربی، نشان‌دهنده وجود اشعار منحرفه در عصر معاصر است که شاعران را بر آن داشته تا در همان قالب شعری، پاسخی بر آن انحرافات بیان کنند؛ در حالی که اشعار فارسی از وجود چنین افکار منحرفه‌ای خالی است.

نتیجه

۱. ظهور مصلح آخرالزمان، یکی از باورهای عمیق در تمامی ادیان الهی است که جلوه آن در دین مبین اسلام نمود بیشتری دارد. زبان شعر و ادب، از دیرباز یکی از والاترین ابزارهای انتقال فرهنگ و آیین ادیان مختلف بوده است. شاعران معاصر از دریچهٔ دنیای شعر و ادب، ضرورت منجی آخرالزمان، امام مهدی (عج) را درک کردند و با زبان عقل و احساس، این نیاز را به تصویر کشیدند تا پاسخی باشد برای اذهان افراد کوتاه‌بین که احساس آن‌ها بر عقلشان حاکم است.

۲. وجوه عقاید مشترک و متفاوت در اشعار سراینده‌گان معاصر، اتفافی نبوده است. این امر اولاً حاکی از تأثیرپذیری شاعران معاصر عرب و فارس از قرآن کریم و روایات متواتر و فرهنگ غنی شیعه است. ثانیاً بیشترین ساکنین هر دو کشور دارای مذهب تشیع هستند. ثالثاً هم‌جواری دو کشور ایران و عراق و شرایط فکری و علمی ادیبان با توجه به ملیت آن‌ها، باعث شکل‌گیری این عقاید با مضامین مشترکی همچون؛ ولادت امام مهدی (عج)، غیبت، انتظار، بشارت به ظهور و مدینهٔ فاضلهٔ مهدوی و مضامین متفاوت در شعر آن‌ها دربارهٔ القاب امام (عج) و رجعت و پاسخ به انحرافات است.

۳. با نگاهی اجمالی به مضامین موجود در شعر شاعران معاصر مورد نظر، می‌توانیم بیان کنیم که شعر شاعران فارس نسبت به شاعران عرب دارای تأثیرگذاری بیشتری بر مخاطب می‌باشد؛ زیرا شعر سلمان هراتی و قیصر امین‌پور دارای تصاویر ادبی قوی‌تری نسبت به شعر موسوی و ابوالحسین است. زبان بیان شاعران عرب اکثراً مستقیم است؛ اما زبان شعری هراتی و امین‌پور بسیار قوی و ادبی و غیر مستقیم است و شاعران سعی کرده‌اند همان محتوا را در قالب یک زبان شعری قوی‌تر و با تصاویری بکر ارائه دهند که از ارزش ادبی بالاتری نسبت به کار شاعران عرب برخوردار است و دارای تأثیرگذاری بیشتری بر مخاطب است.

۴. وجود اشعاری در وصف مدینهٔ فاضله، در شعر شاعران، حاکی از تأثیرپذیری شاعران از ستم‌های حکومت‌های ظالم حاکم بر کشورهای ایران (پهلوی) و عراق (رژیم بعث) بر مردم کشورشان بوده است؛ زیرا شعر شاعران هر دو کشور، آینهٔ زندگی آنان است. شاعران در پی خلق آرمان‌شهری بوده‌اند که سایبان امن آنان باشد و این محل بنابر احادیث متواتر، جایی جز حکومت جهانی و عادلانهٔ امام مهدی (عج) نیست.

۵. وجود ابیاتی در قالب پاسخ به انحرافات در شعر سید رضا موسوی هندی و شیخ محسن ابوالحسین حاکی از آن است که اولاً اشعار منحرفه در شعر معاصر عربی در مورد امام مهدی (عج) مطرح بوده است. ثانیاً این ابیات نشان‌دهندهٔ معلومات وسیع این عالمان ادیب و فرزانه برحسب موقعیت ایشان به عنوان دو تن از ادیبان و علمای برجستهٔ عراق است.

کتابنامه

الف: کتابها

- قرآن کریم (۱۳۸۰)؛ ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ دوم، قم: فاطمة الزهراء.
۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (بی‌تا)؛ الغیبة للنعمانی، ترجمه: احمد فهري زنجانی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علي (بی‌تا)؛ کمال‌الدین و تمام النعمة، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران: اسلامیه.
 ۳. ----- (بی‌تا)؛ الخصال شیخ صدوق، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: کتابچی.
 ۴. ابوالحب، محسن (بی‌تا)؛ دیوان شیخ محسن ابوالحب، تحقیق سلمان هادی آل طعمه، نجف: بی‌نا.
 ۵. ----- (۱۳۸۵)؛ دیوان شیخ محسن ابوالحب، تحقیق جلیل کریم ابوالحب، نجف: مکتبه الحیدریه.
 ۶. امین پور، قیصر (۱۳۸۷)؛ مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور، تهران: مروارید.
 ۷. ----- (۱۳۹۰)؛ گزینة اشعار، تهران: مروارید.
 ۸. تونه‌ای، مجتبی (۱۳۹۱)؛ موعود نامه (الفبای مهدویت)، قم: مشهور.
 ۹. جمعی از نویسندگان حوزه (۱۳۷۸)؛ چشم به راه مهدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵)؛ إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت: علمی.
 ۱۱. سلیمان، کامل (۱۳۸۱)؛ روزگار رهایی، ترجمه علی‌اکبر مهدی پور، تهران: آفاق.
 ۱۲. شه‌میری، حسین (۱۳۸۶)؛ رجعت (بازگشت بزرگ در هنگام ظهور)، تهران: دفتر نشر معارف.
 ۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مترجمان (۱۳۶۰)؛ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: فراهانی.
 ۱۴. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳)؛ دلائل الإمامة، قم: بعثت.
 ۱۵. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، (بی‌تا)؛ روضة الواعظین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
 ۱۶. قزوینی، محمد کاظم (۱۳۹۱)؛ امام مهدی عج (از ولادت تا ظهور)، ترجمه علی کرمی و سید محمد حسینی، قم: الهادی.
 ۱۷. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله (بی‌تا)؛ جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام، ترجمه غلام‌حسن محرمی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۸. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۹۹۷)؛ ینابیع الموده، بیروت: علمی.
 ۱۹. کاظمی، محمد کاظم (۱۳۹۰)؛ ده شاعر انقلاب، تهران: سوره مهر.
 ۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)؛ اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
 ۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۲)؛ مهدی موعود، ترجمه حسن محمدولی ارومیه‌ای، قم: مسجد جمکران.
 ۲۱. ----- (بی‌تا)؛ مهدی موعود (ترجمه ج ۵۱ بحار الأنوار)، ترجمه علی دوانی، تهران: اسلامیه.

۲۲. ----- (بی تا)؛ آسمان و جهان (ترجمه کتاب السماء والعالم بحار الأنوار جلد ۵۴)، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: اسلامیه.

۲۳. ----- و همکاران (۱۳۸۲)؛ جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت؟، ترجمه ابوالفضل طریقه‌دار، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)؛ تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۲۵. موسوی، سید رضا (۱۳۸۸)؛ دیوان سید رضا هندي وأبنائه، گردآورنده: هادی حسین موسوی، قم: مکتبه الحیدریه.

۲۶. هراتی، سلمان (۱۳۸۸)؛ از آسمان سبز، تهران: سوره مهر.

۲۷. ----- (۱۳۸۷)؛ آب در سماور کهنه (گزیده اشعار)، تهران: تکا (توسعه کتاب تهران).

۲۸. هلالی، سلیم بن قیس (بی تا)؛ اسرار آل محمد علیهم السلام، ترجمه اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم: الهادی.

ب: مجله‌ها

۲۹. نظری منظم، هادی (۱۳۸۹)؛ «ادبیات تطبیقی: تعریف و زمینه‌های پژوهش»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره ۲، صص ۲۲۱-۲۳۸.

ج: منابع مجازی

۳۰. نجفی، جواد، دوازدهم آذرماه ۱۳۹۰، «بهشت وحوش» www.wildlifeeden.blogfa.Com.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دراسة مقارنة لصورة الإمام المهدي في الشعر الفارسي والعربي المعاصر

(سید رضا الموسوي الهندي، شیخ محسن ابوالحُب، سلمان هراتي وقيصر أمين بور نماذجاً)^۱

کبری خسروي^۲

الأستاذة المساعدة في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة لرستان، ايران

حسين چراغی وش^۳

الأستاذ المساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة لرستان، ايران

حديث بابايي^۴

المجستيرة في فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة لرستان، ايران

الملخص

إنّ فكرة انتظار الإمام المهدي (عج) وتبيين أبعاد شخصيته الكريمة أخذ يتجلى أكثر فأكثر عند الشعراء الملتزمين بحب أهل البيت (ع) على مدى التاريخ إلى يومنا هذا ولاسيما في الشعر المعاصر. فتح الشعراء في العصر الحديث باباً جديداً في حقل الشعر والأدب باسم باب الشعر المهدي وتناولوا فيه تعريف الامام الثاني عشر (عج) كمنجى في آخر الزمان على ظمى الحقيقة. يعدّ السيد رضا الموسوي الهندي، والشيخ محسن ابوالحُب من بين الشعراء العرب، وسلمان هراتي وقيصر أمين بور في الأدب الفارسي، من أبرز الشعراء في الأدب الشيعي الملتزم. مقالنا هذا في منهج توصيفي - تحليلي وفي بحث مقارنة يعالج الموضوع بالإستناد على الشواهد الشعرية من شعر هؤلاء الشعراء. إلى جانب هذا تناول المقال عقائد الشعراء المشتركة بشأن الإمام المهدي (عج) نحو مولده (عج)، غيبته، التبشير بظهور المنجى في آخر الزمان، الإنتظار والمدينة الفاضلة المهديوية، وأما نرى بعض المضامين نحو البحث حول ألقاب الإمام المهدي (عج)، قضية الرجعة والردّ على الإنحرافات في بواعث الغيبة في شعر بعضهم كسيد رضا الموسوي الهندي. وكلّ ذلك بالاستشهاد بالآي القرآنية والروايات المتواترة. إنّ الشعراء في الأدب الفارسي المعاصر، قد تناولوا صورة الإمام المهدي (عج) ومدحه بتعبير أدبي وباستخدام الإستعارات والكنائيات والتشبيهات المختلفة، بينما أنّ الشعراء العرب كثيراً ما تناولوا صورة الإمام المهدي تناولاً مباشراً. فضلاً عن ذلك إن هؤلاء الشعراء قد لجأوا إلى الإقتباسات الفنية و الأدبية من تفاسير آيات القرآن الكريم وهكذا أدخلوا آثارهم الشعرية وأثروا على ضمير المخاطبين أعظم التأثير.

الكلمات الدلّيلية: الإمام المهدي (عج)، الأدب المقارن، الشعر الفارسي المعاصر، الشعر العربي المعاصر، السيد رضا موسوي

الهندي، الشيخ محسن ابوالحُب، سلمان هراتي، قيصر أمين بور.

تاريخ القبول: ۱۳۹۲/۷/۱۵

۱. تاريخ الوصول: ۱۳۹۲/۵/۱۷

۲. العنوان الإلكتروني للكتاب المستول: Kobra.Khosravi@Gmail.com

۳. العنوان الإلكتروني: cheraghivash.h@lu.ac.ir

۴. العنوان الإلكتروني: hadisbabaei580@yahoo.com



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی